



# گزارش پستی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های  
سلامت اداری و مبارزه با فساد

۹۷

دعاوی و تصمیمات آمبودزمان سوئد

گزارش سالانه (۲۰۱۵-۱۶)





## گزارش پژوهش

سال دهم، شماره ۹۷، خرداد ۱۳۹۶

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

---

نام گزارش: دعاوی و تصمیمات آمبودزمان سوئد گزارش سالانه (۱۶-۲۰۱۵)

مترجم: محمود مهدوی‌فر

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۶

---

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن است و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نیست.

کلیه حقوق مربوط به این گزارش به سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارد و هرگونه

انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از سازمان، غیرمجاز است.



## فهرست مطالب

۷	..... اشاره
۸	..... مقدمه
۱۰	..... مختصری از دعاوی مطروحه
۱۰	..... نیروهای مسلح
۱۱	..... دادگاه‌ها
۱۵	..... آموزش و تحقیق
۱۸	..... مقامات اجرایی
۱۹	..... حفاظت زیست‌محیطی و درمانی
۲۰	..... بهداشت و مراقبت درمانی
۲۶	..... مقامات بازار کار / مؤسسات
۲۷	..... مهاجرت
۳۲	..... مسائل داخلی مربوط به شهرداری
۳۴	..... برنامه‌ریزی و ساخت و ساز
۳۵	..... موارد مرتبط با مداخله پلیس، دادستان و مأمورین گمرک
۴۴	..... زندان و اقدامات تأمینی
۵۷	..... دسترسی عموم به اسناد و مدارک و طبقه‌بندی محرمانه درکنار آزادی بیان و آزادی مطبوعات
۶۲	..... بیمه اجتماعی
۶۳	..... خدمات اجتماعی



## اشاره

نظارت بر دستگاه‌های حکومتی حتی در نظام مردم‌سالار نیز یک ضرورت است، که در چارچوب قانون باید اعمال شود. این امر در درجه نخست بر عهده دستگاه قضایی است، اما پیچیدگی حاکم بر محاکم قضایی و اطاله دادرسی‌ها موجب شد تا برخی از کشورها اقدام به تشکیل سازمان‌هایی نمایند که بتوانند به شیوه غیرقضایی و در کوتاه‌ترین زمان به شکایات مردم رسیدگی کنند. این سازمان‌ها آمبودزمان نام گرفتند. واژه آمبودزمان ریشه‌ای سوئدی دارد و حدود یک‌صد سال است که در سراسر جهان برای بیان مفهوم «مبارزه با فساد» استفاده می‌شود. امروزه آمبودزمان با بررسی غیرقضایی شکایات‌های شهروندان علیه مقامات و دستگاه‌های اجرایی به‌عنوان بخش مهمی از روش‌های حمایت از حقوق شهروندان تلقی می‌شود و انتظار تحقق یک نظام مردم‌سالار و توسعه‌یافته بدون داشتن آمبودزمانی کارآمد و مستقل دور از ذهن خواهد بود.

ورای وظایف و کارکردهای مشترک آمبودزمان‌ها در سراسر جهان، به‌دلیل فرهنگ‌های سیاسی، قوانین اساسی و ساختارهای حکومتی گوناگون، ماهیت مشخص و یکسانی برای نهاد آمبودزمان وجود ندارد و بنابراین ارزیابی کارکرد آمبودزمانی در نظام‌های مختلف حقوقی می‌تواند زمینه پژوهشی مناسبی را برای فعالان و علاقه‌مندان این عرصه فراهم آورد. در این راستا گزارش حاضر، دربرگیرنده خلاصه‌ای از مهم‌ترین موارد از شکایات رسیدگی شده در بخش‌های مختلف آمبودزمان سوئد طی سال ۲۰۱۵ میلادی است و می‌تواند اطلاعات مفیدی درخصوص کارکردهای تعقیبی و اصلاحی این نهاد در کشور سوئد در اختیار خوانندگان قرار دهد.

**مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد**



## مقدمه

دفتر آموذزمان پارلمانی سوئد در سال ۱۸۰۹ و در زمان پادشاهی گوستاو سوم تأسیس شد. این اقدام به دنبال تصویب قانون اساسی جدید این کشور بود که در آن ایجاد سیستمی پیش‌بینی شده بود که به پارلمان اجازه می‌دهد برخی نظارت‌ها را بر اعمال قوه اجرایی اعمال کند.

بنابراین کمیته دائمی قانون اساسی وظیفه نظارت بر اقدامات وزیران و اطمینان از تبعیت مقامات دولتی از قانون را بر عهده نهادی به نام آموذزمان پارلمانی قرار داد. قانون پارلمان ایالت‌ها در سال ۱۸۱۰ مقررات مربوط به حساب‌رسان منتخب پارلمان، خدمات مدنی، بانک سوئد و دفتر ملی وام را مورد مذاقه قرار داد.

ایده ایجاد نهادی پاسخ‌گو به پارلمان که بتواند عملکرد مقامات را با قانون بررسی کند، ایده جدیدی نبود. در واقع در سال ۱۷۱۳ پادشاه چارلز دوازدهم دفتری را با عنوان دفتر عالی آموذزمان اعلیحضرت ایجاد کرده بود. در آن زمان پادشاه برای تقریباً ۱۳ سال خارج از کشور بود. در غیاب او دولتش در سوئد دچار بی‌نظمی و آشفتگی شده بود. بنابراین او آموذزمان عالی را به عنوان نماینده خود در سوئد منصوب کرد. وظیفه‌ای که به او سپرده شده بود کسب اطمینان از این موضوع بود که قضاات و مقامات عمومی وظایف خود را با توجه به قوانین به نحو رضایت بخشی انجام بدهند. اگر بازرس موردی را برخلاف قانون کشف می‌کرد؛ به او این قدرت داده شده بود تا روند مراحل قانونی اولیه را علیه قصور انجام‌شده آغاز کند.

آموذزمان سوئد پس از تحولات تاریخی مختلف در حال حاضر دارای چهار حوزه نظارتی به ترتیب زیر است:

حوزه نظارتی یک که شامل دادگاه‌های سوئد، دستگاه‌های اجرایی، حوزه برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز، محیط‌زیست و مراقبت‌های بهداشتی، اداره مالیات و ارتباطات است. در طی سال مالی گذشته این بخش ۱۷۵۴ مورد شکایت دریافت کرده است که افزایشی ۱۰/۵ درصدی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. ۱۷۲۷ مورد آن در طول سال حل‌وفصل و ۵۴۷ مورد از آن‌ها در حال حل‌وفصل می‌باشد.

حوزه نظارتی دوم که شامل زندان و مسائل مربوط به خدمات عفو مشروط، بیمه‌های اجتماعی، خدمات و پشتیبانی برای افراد دارای اختلالات حرکتی (LSS)، نیروهای مسلح و نظارت بر برخی مقامات نهادهایی چون انجمن ملی حمایت از مصرف‌کننده‌ها، سازمان حسابرسی و نهاد مسابقات سوئد است. در طی سال مالی گذشته، ۱۷۹۳ مورد شکایت دریافت شد که ۱۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. این موارد بیشتر مربوط به حوزه‌های زندان و LSS بوده است. ۱۷۹۱ مورد از این شکایات در طول سال به نتیجه رسیدند. حوزه نظارتی سوم شامل خدمات اجتماعی، بهداشت و درمان و نظام آموزش و پرورش است. طی سال گذشته، ۱۹۷۵ مورد شکایت در این حوزه ثبت شده است. شکایات مطرح شده در این حوزه زیاد است که البته نسبت به دوره قبل که ۲۰۶۲ شکایت در این حوزه ثبت شده بود، کاهش محسوسی را نشان می‌دهد.

حوزه نظارتی چهارم شامل نظارت بر پلیس سوئد، گمرک، مسائل مربوط به بیگانگان و اشتغال و همچنین مسائل خاص مربوط به ادارات دولتی و عملیات‌های شهری است. در طی سال مالی گذشته ۲۳۵۳ شکایت به این حوزه واصل شد که در مقایسه با دوره قبل ۴۰۰ مورد افزایش داشته است که تقریباً همه آن‌ها حل‌وفصل شدند. بیشترین تعداد شکایات مربوط به حوزه پلیس بوده است. افزایش قابل‌ملاحظه‌ای نیز در شکایات مربوط به سازمان مهاجرتی سوئد ملاحظه شده است.

آنچه در این مجال به آن پرداخته می‌شود منتخبی از دعاوی و به‌دنبال آن تصمیماتی است که در طول این مدت توسط آمبودزمان سوئد مورد رسیدگی قرار گرفته است.

## مختصری از دعاوی مطروحه

### نیروهای مسلح

**انتقاد از نیروهای دفاعی سوئد، هنگ اسکارابورگ، در خصوص اجرای مانورهای**

### نظامی و غیره

آمبودزمان در این تصمیم، نیروهای دفاعی سوئد، هنگ اسکارابورگ (پی ۴) را در خصوص طراحی یک مانور نظامی که ریسک قابل توجهی برای حضور غیرنظامیان به عنوان بخشی از مانور نظامی به رغم تمایل شخصی آنها وجود داشت، موردانتقاد قرار داد. در ارتباط با این مانور نظامی، کارمند یک ایستگاه رادیویی غیرحرفه‌ای، زمانی که در منطقه مانور نظامی حصارکشی نشده در حال اجرای برنامه بود با نیروهای نظامی روبرو شد. تحقیقات نشان داد که کاپیتان پس از صحبت با فرد مذکور از وی خواست محل را ترک کند. از آنجا که این رخداد در منطقه حفاظت شده نبوده است، آمبودزمان نظر داد که کاپیتان اختیار انجام چنین عملی را نداشته است. (۲۰۱۴-۵۸۲۲)

## دادگاهها

### الف) دادگاههای عمومی

**۱- انتقاد از قاضی دادگاه بخش استکهلم در خصوص عدم بررسی کافی در یک مورد  
دعوی حضانت در ارتباط با اطلاعات به دست آمده پس از جلسه اصلی رسیدگی و  
سپس صدور رای در خصوص دعوی بدون استناد به قوانین**

پس از جلسه اصلی رسیدگی به یک مورد دعوی حضانت، دادگاه تماسی از شهرداری دریافت نمود. در این تماس، نماینده شهرداری توضیح داد که آن‌ها می‌توانند جلسات دیدار بیشتری از آنچه در جلسه اصلی رسیدگی بیان شده بود، ترتیب دهند. قاضی دادگاه از این رو مورد انتقاد قرار می‌گیرد که این اطلاعات جدید را به پرونده اضافه نکرده است. او همچنین، در ارتباط با اتمام رسیدگی و مختومه کردن پرونده مطابق با فصل ۱۷ بخش ۱۵ پاراگراف دوم قانون آیین دادرسی مدنی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۴-۵۵۰۴)

**۲- انتقاد از دادگاه بخش بلکینگ در رابطه با رسیدگی کند و آهسته به دعوی  
در خصوص حضانت طفل. همچنین به یکی از قضات دادگاه بخش در خصوص  
شیوه صدور رای درباره تعلیق دادرسی نیز انتقاد وارد شده است.**

دعوی در خصوص حضانت طفلی برای مدت دو سال و سه ماه در دادگاه بخش بلکینگ در جریان بود و تاکنون نیز به حالت معلق باقی مانده است. قاضی دادگاه بر این عقیده است که این مدت، برای رسیدگی به دعوی حضانت فرزند، مدت زمانی غیرمنطقی است. دلایل اصلی که موجب اطاله رسیدگی شده است عبارت‌اند از فقدان یک جدول زمانی و نبود نظارت کافی بر چگونگی رسیدگی میانجی به موضوع. دادگاه بخش برای این مورد با انتقاد مواجه شد. در این تصمیم، قاضی به دلیل صدور رأی در زمان تعلیق دادرسی به این علت مورد انتقاد قرار گرفت که این رأی چنان دارای نقص و کاستی بود که ممکن است از آن برداشت درستی نشود. (۲۰۱۴-۶۷۳۰)

### ۳- انتقاد از قاضی دادگاه بخش بلکینگ در خصوص تدوین ناقص یافته‌های دادگاه

#### دریغ دعوی کیفری

دادگاه بخش رأی خود را به نحوی تنظیم کرده بود تا این امکان وجود نداشته باشد که صحت رأی صادره را ارزیابی کرد. در این رابطه، دادگاه موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۵-۳۸۰ و ۲۰۱۵-۳۸۱)

### ۴- انتقاد از قاضی دادگاه بخش یوله در خصوص تنظیم رای دادگاه کیفری

در یکی از آرای دادگاه کیفری، دادگاه بخش یوله در گزارشی با ارجاع به پیوست ۲۰ صفحه‌ای درخواست جبران خسارت نمود. آمبودزمان اظهار می‌دارد این پیوست به‌حدی دارای اطلاعات غیرضروری است که درک موضوع اصلی بررسی دادگاه را مشکل می‌سازد و از طرفی فهم این که رأی به‌گونه‌ای تدوین شده که مغایر با قواعد بخش ۵ فصل ۳۰ از قانون آیین دادرسی مدنی است را دشوار می‌سازد. به‌علاوه، در میان اطلاعات غیرضروری، جزئیات ماهیتی شخصی و حساس طرف متضرر وجود دارد که میان کسانی که رأی را ملاحظه کرده‌اند منتشر شده است. قاضی مسئول این موضوع موردانتقاد قرار گرفته است. (۲۰۱۴-۵۵۰۴)

### ۵- توزیع دعاوی نوجوانان بین دادگاه‌های بخش و شهرستان - استعلامات صورت

#### گرفته منجر به اعمال نظارت‌های ذیل شد.

مطابق بخش ۲۵ از قانون بزه‌کاران نوجوان (قواعد خاص) (۱۹۶۴:۱۶۷)، دعاوی اقامه‌شده علیه اشخاص زیر ۲۱ سال باید توسط هیأت قضات محکمه که به‌طور خاص توسط دادگاه منصوب شده‌اند، مورد رسیدگی قرار گیرد. در ارتباط با بازرسی، آمبودزمان بر توزیع دعاوی کیفری نوجوانان بین ۸ دادگاه بخش و دادگاه عمومی شهرستان نظارت دارد.

آمبودزمان اظهار می‌دارد قواعد ناظر بر تمرکز پرونده‌های کیفری نوجوانان هیچ‌گاه تأثیر واقعی نداشته است. دلایل این تمرکز موردبحث و بررسی قرار گرفته‌اند. اصلاحات داخلی و خارجی دادگاه‌های بخش به این معناست که از نظر آمبودزمان، منسوخ نمودن قاعده مرتبط با تمرکز پرونده‌های کیفری نوجوانان، عملی موجه است. بنابراین آمبودزمان رونوشتی از تصمیم خود را به قوه قضائیه تسلیم می‌کند.

در حال حاضر قاعده مرتبط با تمرکز دعاوی نوجوانان قابل اعمال است، و تضمین اجرای آن توسط دادگاه‌ها در حوزه وظایف و اختیارات آمبودزمان می‌باشد. بررسی آمبودزمان نشان می‌دهد که دادگاه بخش گاتلند و دادگاه بخش هاپاراندا به‌رغم ملاحظات صورت گرفته در طول بازرسی، همچنان به‌صورتی که توضیح داده شد، دعاوی کیفری نوجوانان را ارجاع نمی‌دهند. براساس گزارش آمبودزمان، رؤسای این دادگاه‌ها تعهدات سازمانی خود را رعایت نمی‌کنند به‌گونه‌ای که منتهی به سوءرفتار با ماهیتی می‌شود که ممکن است مستلزم اقدام انضباطی باشد. از این‌رو آمبودزمان موضوع را به مقامات ارشد هیأت انضباطی دولت ارجاع می‌دهد تا موضوع مسئولیت اداری و انضباطی برای دو تن از رؤسای دادگاه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

دادگاه بخش سودرتورن نیز دعاوی نوجوانان را به شکلی که در قانون مقرر شده، ارجاع نمی‌دهد. در این رابطه دادگاه بخش سابقاً هیچ‌گونه ملاحظات و مقرراتی را از آمبودزمان دریافت نکرده است. اکنون آمبودزمان دادگاه بخش را برای عدم توزیع پرونده‌های نوجوانان مطابق با قانون مورد انتقاد قرار داده و فرض را بر این گرفته است که دادگاه بخش، تدابیر لازم را به‌منظور اصلاح این موضوع در اسرع وقت اتخاذ خواهد نمود. (۲۰۱۵-۶۶۱۵، ۲۰۱۶-۲۸۲)

**ب) دادگاه‌های اداری****۱- شکایت علیه دادگاه اداری فالون درخصوص عدم بررسی اعتراض به تعارض****منافع در باب بخشی از مقام تصمیم‌گیرنده**

هیأت ناظری در یکی از مناطق شهری تصمیم گرفت تا براساس قانون نوشیدنی‌های الکلی به یک شرکت بازرگانی هشدار دهد. شرکت موردنظر به این تصمیم اعتراض کرد، با این استدلال که منافع یکی از اعضای این هیأت با موضوع در تعارض قرار دارد. دادگاه اداری به جای اتخاذ رویکردی مبنی بر اعتراض به تعارض منافع، تصمیم مورد اعتراض را ابطال نمود و موضوع را برای بررسی مجدد به شهرداری اعاده کرد.

مجموعه مقررات حقوق اداری دربردارنده هیچ مقرره‌ای در باب اقدامات دادگاه در موضوع اشتباه در شیوه دادرسی توسط مقام تصمیم‌گیرنده که رأی قابل تجدیدنظرخواهی را صادر نموده است نمی‌باشد. از دیدگاه آمبودزمان، قانون آیین دادرسی مدنی باید به‌منزله راهنمایی در موارد مربوط به اشتباهات رویه‌ای، در دادگاه‌های اداری نیز موردتوجه قرار گیرد. دادگاه‌های اداری نباید صرفاً به دلیل اعتراض به تعارض منافع، دعوی را به شهرداری اعاده کنند. دادگاه‌های اداری باید به ارزیابی این موضوع بپردازند که آیا اعضا دارای تعارض منافع هستند یا خیر. در این صورت، دادگاه باید در این باره تصمیم‌گیری کند که آیا رأی معترض عنه نقض خواهد شد و دعوا به هیأت بازگردانده خواهد شد یا خیر.

قانون در مجموعه مقررات موضوعه یا سایر منابع حقوقی به‌طور کامل روشن و واضح نیست. در نتیجه، دلایل کافی وجود ندارد تا به دادگاه‌های اداری انتقاد وارد ساخت. (۲۰۱۵-۶۹۵)

**۲- انتقاد جدی از دادگاه‌های اداری لینگوپینگ درخصوص رسیدگی آهسته به****دعوی تحت قانون اسامی.**

در ۴ مارس ۲۰۱۳ دعوی تحت قانون اسامی در دادگاه اداری مطرح شد. این دعوی در ۹ آوریل همان سال به‌طور کامل آماده رسیدگی بود اما تا تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۱۵ تحت رسیدگی

قرار نگرفت، یعنی تقریباً دو سال بعد از اینکه دعوی در دادگاه مطرح شده بود. انتقاد جدی به دادگاه اداری برای زمان طولانی رسیدگی وارد است. (۳۹-۲۰۱۵)

### **سرپرستان ارشد**

انتقاد به هیأت مشترک پشتیبان ارشد در منطقه شهری اسکلفتا درخصوص یکی از آرای صادره و قرارداد متعاقب آن، که در آن یکی از مجریان آموزش دیده بود تا اقدام خاصی را در چارچوب نقش اجرایی خود اتخاذ نماید.

این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که آیا مجری باید قرارداد اجاره مشتری را خاتمه بخشد یا خیر. در یکی از آرای صادره، هیأت سرپرستان ارشد به گونه‌ای تصمیم خود را تدوین نمود که هیأت باید به مجری آموزش دهد تا قرارداد را خاتمه بخشد. با این وجود، به دلیل مقررات موجود در قانون والدین و فرزندان، هیأت نتوانست تصمیم بگیرد که مجری چه اقدامی را درخصوص قرارداد اجاره انجام دهد. دستور به مجری برای خاتمه قرارداد از سوی هیأت، عملی بود که با بخش اول از فصل یکم سند مؤسس دولت سوئد مغایرت داشت. از این رو هیأت سرپرستان ارشد مورد انتقاد واقع شد. (۴۲۹۵-۲۰۱۵)

### **آموزش و تحقیق**

**۱- انتقاد از هیأت بازرسان مدارس سوئد درخصوص تخصیص مدت زمان اندک به مدیریت مدرسه برای پاسخ دادن به ابلاغیه.**

در یکی از گزارش‌های واصله به آمبودزمان، یکی از نهادهای اداری آموزشی اعتراض کرد که هیأت بازرسان مدارس سوئد عموماً زمان پاسخ‌دهی برای اخطار و ابلاغ‌های صورت گرفته را درمورد مدیریت مدرسه از سه هفته به دو هفته کاهش داده و در یک مورد به‌خصوص، هیأت نمایندگی کودکان و دانش‌آموزان مدارس (BEO) درخواست نظریه‌ای را در مدت سه روز نمود و نظرات مکمل در مدت ۲ روز و زمان پاسخ به آن نیز یک روز قرار داده شد.



دادگستری هیچ اعتراضی به تخصیص مدت دو هفته زمان پاسخ برای مدیریت مدرسه در مورد ابلاغ عادی ندارد، اما چنین مفروض می‌دارد که برای محاسبه پاسخ‌دهی، تعطیلات و روزهای آخر هفته نیز محاسبه می‌شوند.

هیأت بازرسان مدارس به آن دسته از دعاوی رسیدگی می‌کند که از طریق فرآیند خاص رسیدگی به‌طور مشخص مهم تلقی می‌شوند و هدف نیز این است که به‌طور کلی در طول یک ماه در آن خصوص تصمیم‌گیری شود. در این‌گونه موارد، هیأت بازرسان مدارس مهلت پاسخ‌دهی را سریع‌تر مقرر می‌کند. این موضوع نیز توسط آموذزمان در نظر گرفته می‌شود که یک نقطه شروع معقول و منطقی نباید از ۵ روز کوتاه‌تر باشد، اما این زمان مسلماً باید بنا به اوضاع و احوال هر دعوی به‌طور جداگانه مشخص گردد.

موضوعی که آموذزمان مورد بررسی و کنکاش قرار داده عبارت از رسیدگی بر مبنای اصول دادرسی است. اگرچه دعوی دربرگیرنده تحقیر جدی یک دانش‌آموز جوان است، آموذزمان بر این نظر نیست که اوضاع و احوال مربوطه به‌طور معقول و منطقی درخواست نظریه‌ای در طول سه روز را توجیه کند. مهلت پاسخ‌دهی درخواستی برای نظرات تکمیلی نیز بسیار کوتاه بوده است. هیأت بازرسان مدارس نمی‌تواند از انتقاد در خصوص مهلت کوتاه پاسخ‌دهی اجتناب ورزد.

(۲۰۱۳-۶۷۸۶)

## ۲- انتقاد از مدارس دبیرستان در بخش شهری کارل استاد به‌دلیل عمل برخلاف

### اصل بی‌طرفی در بخش ۹ از فصل اول سند مؤسس دولت

حزب کمونیست لیگ جوانان سوئد، در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴، از دسترسی به مدارس دبیرستان بخش شهری کارل استاد به‌منظور ترتیب دادن نمایشگاه کتاب منع شد. شهرداری چنین استدلال نمود که این امر تنها به احزاب دارای نماینده در پارلمان اجازه می‌دهد تا از مدارس به‌منظور انتشار اطلاعات سیاسی بازدید کنند.

بر اساس نظر آموذزمان، هیچ مانع قانونی برای دبیرستان‌های مورد بحث در خصوص دعوت از صرفاً احزابی که نماینده مدارس در ریکسداگ بودند وجود نداشت. با این وجود، بر اساس آنچه در طول تحقیقات و رسیدگی‌های آموذزمان پیش آمد، مدارس به لیگ جوانان حزب کمونیست هیچ راه جایگزینی را پیشنهاد نکرده‌اند که اطلاعات مورد نظر را فراهم کند. استثناء

نمودن کامل لیگ جوانان از شرکت در چنین فعالیتهایی مغایر با اصل بی‌طرفی در سند مؤسس دولت است. بنابراین مدارس دبیرستان برای اقدامات خود موردانتقاد واقع شدند. این تصمیم همچنین شامل اظهارات کلی در باب این موضوع است که آمبودزمان درخصوص موضوعات مرتبط با مشارکت احزاب سیاسی در اطلاعات اجتماعی مدارس چه نظری دارد. (۲۰۱۴-۵۰۰۱)

### ۳- انتقاد از آموزگار ارشد مدرسه گالوبوسکولان در منطقه شهری جیسلوود درخصوص ممانعت از یکی از دانش آموزان از توزیع بروشور

این دانش آموز مجاز نبود بروشورهای دارای محتوای سیاسی را در مدرسه توزیع کند. این بروشور به امضای یکی از احزاب سیاسی رسیده بود و آموزگار ارشد این‌گونه عمل خود را توجیه نمود که حق دارد بیگانگان را از دسترسی به مدرسه برای توزیع موارد چاپ‌شده منع کند. همچنین وی اظهار داشت هرگونه اطلاعاتی که دانش‌آموزان بخواهند در مدرسه توزیع کنند باید به تأیید وی برسد.

مدیریت مدرسه تنها در صورتی می‌تواند از توزیع و انتشار مطالب چاپ‌شده جلوگیری به عمل آورد که به نظم و ترتیب آن سازمان مرتبط باشد. همان‌طور که در این‌خصوص یک دانش‌آموز درحال توزیع بروشورهایی در مدرسه بود و این موضوع که مدرسه مکانی عمومی محسوب نمی‌شود هیچ‌گونه اهمیتی ندارد.

این موضوع که بروشور دربردارنده اطلاعاتی سیاسی بود، در تصمیم آموزگار ارشد برای عدم توزیع آن نقش مهمی داشت. براساس دیدگاه آمبودزمان، اظهارات آموزگار ارشد در تحقیقات و رسیدگی اولیه در این زمینه تنها محدودیتی نسبت به آزادی مطبوعات است که در قانون اساسی موردحمایت بوده است. بنابراین عمل آموزگار ارشد از نظر آمبودزمان ناقض قاعده ممنوعیت موانع انتشار در بند دوم از بخش ۲ فصل اول قانون آزادی مطبوعات است. آموزگار ارشد درخصوص این اقدام موردانتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۵-۵۰۶۹)

## مقامات اجرایی

### ۱- انتقاد از مقامات اجرایی در خصوص عدم پرداخت کافی به خواهان و به تأخیر

#### انداختن پرداخت مجدد به خواننده

در یکی از محکومیت‌های کیفری، دادگاه بخش گوتنبرگ، خواننده را محکوم به پرداخت ۵۶۰۰ کرون به علاوه سود آن به خواهان نمود. خواننده این مبلغ را به واحد اجرای احکام سوئد پرداخت نمود. سپس دادگاه تجدیدنظر مبلغ خسارت را به ۶۰۰ کرون کاهش داد. زمانی که رأی دادگاه تجدیدنظر در ۴ دسامبر ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا گردید، مقامات اجرایی باید ۶۰۰ کرون را به انضمام سود به خواهان پرداخت کرده و مابقی این مبلغ یعنی ۵۰۰۰ کرون به علاوه سود آن را به خواننده پرداخت کنند. مقامات اجرای احکام سوئد اشتباهاً تمامی مبلغ ۵۶۰۰ کرون به علاوه سود آن را به خواهان پرداخت کردند. خواننده در تاریخ ۴ مارس ۲۰۱۵ به اجرای احکام سوئد مراجعه و این اشتباه صورت گرفته را اذعان نمود.

متعاقباً لازم بود تا ۵۰۰۰ کرون به علاوه منافع آن به خواننده پرداخت گردد. او به آنبودزمان گزارش کرد که این مبلغ به وی پرداخت نشده است. تصمیم آنبودزمان متضمن این موضوع است که مقامات اجرای احکام در موارد مشابه باید چه اقداماتی را انجام دهند. آنبودزمان چنین اظهار می‌دارد که در خصوص افراد مالباخته مسلماً اینکه چه اقداماتی از نظر قانونی و حقوقی باید صورت گیرد جذابیت بسیار کمتری دارد. موضوع مهم این است که افراد سریعاً به پول خود برسند.

بازه زمانی که قرار بود مقامات اجرایی به آنبودزمان پاسخ دهند، در ۲۷ اوت ۲۰۱۵ به پایان رسید و خواننده هنوز مبلغ موردنظر را دریافت نکرده بود. در مجموع حدود ۹ ماه از تاریخ ۴ مارس ۲۰۱۵ که خواننده برای اولین بار اشتباه مورد بحث را به مراجع صالح اعلام کرده بود سپری شد.

آنبودزمان اظهار می‌دارد که به نظر منطقی نمی‌رسد که شخصی مجبور باشد برای این بازه زمانی طولانی مدت منتظر بماند در صورتی که اشتباه از طرف واحد اجرایی صورت گرفته است.

مقامات اجرایی به دلیل پرداخت اشتباه به طرف متضرر و تأخیر در پرداخت پول به خواننده موردانتقاد قرار گرفتند.

از نظر آمبودزمان، بررسی تعهدات مقامات اجرایی توسط قوه مقننه در شرایطی که اموال تحصیل شده اشتباهاً به شخص دیگری پرداخت می‌شود ضرورت دارد. نظام قانون گذاری باید اطمینان حاصل کند که شخصی که محق است بدون هیچ تأخیری به مال خود می‌رسد. بنابراین آمبودزمان رونوشتی از این تصمیم را به وزارت دادگستری ارائه داده است. (۲۰۱۵-۳۰۲۹)

## حفاظت زیست محیطی و درمانی

### ۱- انتقاد از هیأت محیط زیست و ساختمان در بخش شهری اورکالیکس در خصوص

#### بازرسی بدون اطلاع قبلی

کمیته محیط زیست و ساختمان در اورکالیکس براساس بخش اول فصل ۲۸ قانون زیست محیطی از یک ملک بازدید نمود. بازرس، این کمیته را به دلیل عدم اخطار و اطلاع قبلی به مالک در خصوص بازدید موردانتقاد قرار داد. (۲۰۱۵-۲۵۴۵)

### ۲- انتقاد از هیأت محیط زیست و برنامه ریزی درواسترویک در خصوص عدم رعایت

#### شرایط بی طرفی براساس بخش ۹ از فصل اول قانون اساسی

هیأت محیط زیست و برنامه ریزی متعاقب قانون محیط زیست نقش نظارتی خود را کامل کرد و از معافیت حفاظت خط ساحلی صرف نظر کرد. براساس یکی از مقالات در نشریات محلی، مالک ملک اظهار داشت که مقامات هیأت زیست محیطی و برنامه ریزی به وی اعلام کرده اند که به منظور معافیت از حفاظت خط ساحلی باید در تقاضانامه خود تصریح کند که قصد آغاز کسب و کار را دارد. به همین دلیل، هیأت نامه ای را به مالک ارسال کرد، با این مضمون که هیأت زیست محیطی و برنامه ریزی ادعای مالک را اتهامی جدی تلقی کرده و درخواست دارد تا مالک فوراً تمامی اطلاعاتی را که در دست دارد برای اثبات این اتهام ارائه کند.

تصمیم آمبودزمان به این ترتیب است که به وضوح به نظر می‌رسد هیأت این جزئیات را از مالک برای هدفی به جز مقصود قانون محیط‌زیست درخواست کرده است. آمبودزمان اظهار می‌دارد که در نتیجه، هیأت شرط بی‌طرفی را در بخش ۹ از فصل اول قانون اساسی نقض کرده است. (۲۰۱۵-۶۰۱۸)

## بهداشت و مراقبت‌های درمانی

۱- انتقاد از ناحیه اوسترگوتلند در خصوص ارائه اطلاعات گمراه‌کننده به عامه راجع به

### امکان پرداخت به صورت نقدی

پیرو شکایتی علیه ناحیه اوسترگوتلند، آمبودزمان نمایه اطلاعات ناحیه را در خصوص پرداخت هزینه‌های درمانی بیماران مورد بررسی قرار داد.

به واسطه حکمی که توسط دادگاه عالی اداری صادر شد، کاملاً روشن و واضح است که شورای دولتی نمی‌تواند از پذیرش پرداخت نقدی هزینه‌های درمانی بیماران خودداری کند. در اطلاعات راجع به پرداخت هزینه‌های درمانی که سابقاً توسط ناحیه اوسترگوتلند مورد استفاده قرار گرفته بود، مشخص نشده است که امکان پرداخت نقدی وجود دارد یا خیر. طبق اطلاعاتی که در اختیار منطقه قرار داده شده بود، این امر مغایر با اساسنامه بانک مرکزی سوئد می‌باشد و از این رو منطقه، اطلاعات مورد نظر را اصلاح نموده است. براساس نظر آمبودزمان، اطلاعات قدیمی و جدید گمراه‌کننده بوده و ناقص است. ناحیه از این لحاظ مورد انتقاد قرار گرفته است.

آمبودزمان اضافه می‌کند: هیچ چیز نمی‌تواند مانع شورای دولتی از اطلاع‌رسانی به عموم مردم از این نظر شود که سایر روش‌های پرداخت به جز پرداخت نقدی در خصوص هزینه‌های درمانی بیماران مورد ترجیح است. اگرچه، نباید از نظر دور داشت که بدون تردید امکان پرداخت نقدی نیز وجود دارد. (۲۰۱۴-۴۹۵۶)

## ۲- انتقاد از یک پزشک در ناحیه حاملند آرجالدن در خصوص پیگیری درخواست

### بیمار در باب ثبت مکالمه با پزشک

یکی از بیماران شکایتی را مطرح کرد که براساس آن پزشک به وی اجازه ضبط مکالمات با استفاده از دستگاه ضبط صدا را نداده است.

براساس نظر آمبودزمان، معمولاً باید در نظر داشت که شخص بیمار دلایل قابل قبول و موجهی برای ثبت مکالمه خود با پزشک دارد؛ از جمله بررسی مجدد توصیه‌های پزشک، یا پخش مجدد مکالمه برای اعضای خانواده. بنابراین، قاعده کلی باید بر این اساس باشد در صورتی که شخص بیمار در گفت‌وگو با پزشک شرکت دارد باید این امکان برای وی فراهم باشد تا مکالمه صوتی را ضبط کند. البته شرایطی وجود دارند که بتوان شخص را از ضبط مکالمه منع نمود، برای مثال، در صورتی که درباره اطلاعات حساس و محرمانه مربوط به شخص دیگری در طول مکالمه نیز مورد بحث قرار گیرد یا در صورتی که دلیلی بر این فرض وجود داشته باشد که مکالمه ضبط شده قرار است در شرایط تحریک‌آمیز یا به گونه‌ای که موجب تمسخر مقامی اداری گردد مورد استفاده قرار گیرد. با این وجود، همیشه باید قبل از اثبات ممنوعیت ضبط مکالمه ارزیابی کاملی از موضوع صورت گیرد.

در این دعوا پزشک نمی‌تواند از انتقاد در خصوص روش برخورد با درخواست بیمار در باب ضبط مکالمه شانه خالی کرده و طفره رود. (۲۰۱۴-۵۰۴۳)

## ۳- انتقاد جدی علیه مشاور ارشد در کلینیک روان پزشکی قانونی در بیمارستان ساتر

و مشاور ارشد روان‌درمانی در بیمارستان اوسترساند، در خصوص برخورد با بیماری که

### به‌عنوان یک بیمار سرپایی تحت درمان پزشکی قانونی بود.

یکی از بیماران تحت مراقبت‌های روان پزشکی قانونی به‌عنوان بیمار سرپایی تلقی می‌شد اما به شرطی که از مصرف مواد مخدر اجتناب کرده و تست اعتیاد نیز بدهد. در اولین مراجعه به درمانگاه، از بیمار نمونه ادرار گرفته شد که نشان‌دهنده اَمفِتامین مثبت بود. در نتیجه، چنین فرض می‌شود که او برخلاف شرایط درمانش، مواد مخدر مصرف کرده بود. به وی اطلاع داده شد که می‌تواند به‌طور داوطلبانه تا زمان تأیید نتیجه نمونه ادرار در کلینیک بماند یا اینکه

درخصوص تبدیل وضعیت از درمان سرپایی به بیمار بستری، تحت درمان روان‌پزشکی قانونی، تصمیم‌گیری خواهد شد. بیمار به مدت یک هفته در واحد درمانی باقی ماند. سپس نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه منفی را نشان داد.

دریکی از گزارش‌هایی که به آمبودزمان ارائه شده بود، بیمار درخصوص مشاوران ارشدی که درگیر پرونده درمانی وی بودند شکایت و اعلام کرد از حق آزادی خود محروم شده بود چراکه به‌طور داوطلبانه در کلینیک نگه‌داشته نشده بود.

آمبودزمان در ابتدا چنین نظر می‌دهد که نتیجه تست غربالگری باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه نتیجه آن قابل اعتماد نبوده و کفایت نمی‌کند. همان‌طور که نتیجه مثبت ممکن است اشتباه باشد، نباید براساس یک چنین آزمایشی اقداماتی درمورد بیمار صورت گیرد. آمبودزمان مشاوران ارشد درگیر در موضوع را مورد انتقاد قرار می‌دهد و بر این باور است که مبنای تصمیم‌گیری آن‌ها صحیح نمی‌باشد (تصمیم بر اقدام برای بستری نمودن بیمار تا زمانی که نتیجه آزمایش مورد تأیید قرار گیرد). در عوض، بهتر است تا جانب احتیاط رعایت شود و به‌طور کامل ارزیابی شود که آیا سایر اقدامات کمتر تهاجمی کفایت می‌کند یا خیر.

آمبودزمان سپس به یکی از مشاوران ارشد انتقاد وارد می‌کند که چرا درخواست نکرده تا نمونه آزمایش بیمار در اولویت قرار گیرد. نتایج این تحلیل درخصوص استمرار بستری بیمار تأثیر قطعی داشت.

درخصوص بحث ماهیت ارادی اقامت بیمار در کلینیک، آمبودزمان چنین اظهار می‌کند: یکی از عناصر ضروری تشکیل‌دهنده رضایت برای اینکه مبنای روند درمانی را تشکیل دهد این است که رضایت به‌طور ارادی باشد. هیچ روند درمانی براساس اکراه آغاز نخواهد شد. بیمار باید اطلاعات لازم را از هر روش جایگزینی کسب کند. تنها در این صورت است که بیمار رضایت خویش را اعلام خواهد کرد.

همین استدلال نیز در مواردی از پذیرش بیماران بستری براساس قانون بهداشت و خدمات درمانی (HSL) نیز اعمال می‌شود. در شرایطی نظیر آنچه ذکر شد، و بیمار آشکارا خود را وابسته به پزشکان تصور می‌کرد، باید به‌منظور حصول اطمینان از ارادی بودن این اقدامات استانداردهای عالی را در نظر گرفت. ارزیابی آمبودزمان این است که محتوای اطلاعاتی که به

بیمار ارائه شده واجد شرایط و ویژگی‌های وضوح، واقعی بودن و کامل بودن است تا بیمار بتواند تصمیم صحیحی بگیرد. ملاحظات موجود در مجله پزشکی نیز اشاره دارند که اطلاعات به‌گونه‌ای ارائه شده که بیمار نمی‌تواند درک کند که آیا گزینه دیگری به‌جز ماندن در بیمارستان را دارد یا خیر. بنابراین آمبودزمان اظهار می‌دارد که تحت این شرایط و اوضاع و احوال که بیمار قاعدتاً باور می‌کرد که باید از دستورات پزشکان تبعیت کند، رضایت واقعی حاصل نشده است. بیمار همچنین به‌وضوح عدم رضایت خود را اعلام کرده است. برای کادر درمانی روشن است که رضایت اعلام نشده است.

بنابراین کادر درمانی باید در این باره تصمیم‌گیری کند که آیا شرایط پذیرش مجدد بیمار برای بستری و مراقبت‌های روان‌پزشکی قانونی مهیاست و برای چنین مراقبتی دستور موقت صادر شده است.

در جریان این روند، کادر درمانی، بیمار را از حق بررسی پرونده درمانی‌اش توسط دادگاه محروم کرد. در این رابطه، آمبودزمان انتقاد جدی به پرسنل ارشد بهداشت و درمان وارد ساخت.

در نتیجه، بازرس آمبودزمان به این واقعیت اشعار می‌دارد که بیمار تا زمان تأیید نتایج آزمایش اجازه خروج از کلینیک را نداشته است. البته این موضوع در تعارض با این تصور و احتمال قرار دارد که درمان و مراقبت صورت گرفته به‌صورت ارادی و داوطلبانه بوده است. از آنجایی که بیمار به‌منظور بستری شدن برای مراقبت‌های روان‌پزشکی قانونی پذیرش نشده بود، هیچ دلیل و مبنایی برای جلوگیری از خروج وی از کلینیک وجود ندارد. آمبودزمان متصدی ارشد بهداشت و درمان که در این مورد تصمیم‌گیری کرده است را مورد انتقاد قرار داد. طبق اظهارات بازرس آمبودزمان، کادر ارشد درمانی که به این دعوا رسیدگی کردند، از عمل به تعهدات خود از جهات مختلف بازماندند و اقدامات آن‌ها مستلزم نقض آزادی رفت‌وآمد بیمار بود که از نظر قانونی توجیه‌پذیر نمی‌باشد. بازرس در این مورد بسیار دقیق و جدی عمل کرد. (۵۷۰۵-۲۰۱۴)



#### ۴- انتقاد از بیمارستان ساندربای، شورای بخش نورباتن، درخصوص عدم ممانعت از خروج بیماری از بیمارستان که تحت درمان اجباری قرار داشته است براساس قانون مراقبت از معتادان.

مراقبت اجباری معتادان زمانی اعمال می‌شود که شخص معتاد براساس بازداشت فوری یا درمان اجباری، در بیمارستان یا نهادی مشابه آن حاضر می‌شود (بخش ۲۰ از قانون مراقبت از معتادان). این بدان معناست که درمان اجباری زمانی آغاز می‌شود که شخص معتاد به بیمارستان قدم می‌گذارد و اینکه این اقدام ارادی بوده یا خیر مرتبط با موضوع نیست. رییس بیمارستانی که معتاد در آنجا نگهداری می‌شود، نباید در طول مدتی که شخص معتاد لازم است در بیمارستان بماند تا به محل نگهداری منتقل شود، به وی اجازه خروج دهد.

بیمارستان ساندربای در دو مورد به شخص معتادی که باید براساس قانون مراقبت از معتادان مورد درمان قرار می‌گرفت اجازه ترک بیمارستان را داد. برخلاف نوبت اول، نام این شخص در نوبت دوم در بیمارستان ثبت شده بود. در هر دو نوبت، بیمارستان برای اجازه به وی به خروج از بیمارستان موردانتقاد واقع شد.

پیرو تفاهم‌نامه منعقد شده با یکی از مسئولین اماکن نگهداری معتادان، خدمات اجتماعی مطلع شدند که اشتباهاً نام شخص معتاد در فهرست بیمارستان ثبت نشده بود و درمان وی در زمان مناسب آغاز نشد و بنابراین محل نگهداری معتادان نمی‌تواند وی را بپذیرد. مسئول مربوطه در رابطه با ارائه اطلاعات غلط موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۴-۵۷۲۰ و ۲۰۱۴-۶۶۶۷)

#### ۵- انتقاد جدی از یکی از مسئولین در کلینیک منطقه‌ای روان‌پزشکی قانونی در ساندزوال متعاقب عدم اکرام و احترام در کلام در تماس تلفنی با ارباب رجوع.

خانمی در چند نوبت با یکی از دپارتمان‌های کلینیک منطقه‌ای روان‌پزشکی در ساندزوال تماس گرفت. در طول یکی از این تماس‌ها، یکی از کارمندان کلینیک به شکل غیرقابل قبولی با وی صحبت کرد. کارمند دشنامی را به کار برده و گفته است اگر این خانم باهم تماس بگیرد، کادر درمانی از پلیس درخواست کمک خواهند کرد. آمبودزمان لحن کارمند موردنظر را

متواضعانه ندانسته و کارمند قصد تمسخر زن را مقابل سایر کارمندانی که به مکالمه وی گوش می‌دادند داشته است.

آمبودزمان در تصمیم خود اشعار می‌دارد که یکی از وظایف کارمندان دولتی این است که برخورد شایسته و مناسبی با ارباب‌رجوع داشته باشند. حتی زمانی که شخص به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که مشکل‌آفرین است، کارمند مربوط باید به‌صورت حرفه‌ای با موضوع برخورد کرده و لحن مناسبی داشته باشد.

اقدامات کارمند موردنظر در طی تماس تلفنی ناقض شرط بی‌طرفی براساس فصل اول بخش نهم قانون اساسی است. آمبودزمان انتقادات شدیدی را به کارمند ذی‌ربط به‌دلیل عدم رعایت احترام در مکالمه تلفنی وارد ساخت. (۲۰۱۵-۶۷۸)

## **۶- انتقاد از بیمارستان دانشگاهی ساگرنسکا در خصوص تأخیر در ارسال اسناد و**

**مدارکی که دادگاه اداری به یکی از بیماران تحت مراقبت در بیمارستان براساس**

### **قانون مراقبت اجباری روان‌شناسی (LPT) فکس شده بود.**

بیماران تحت مراقبت اجباری روان‌شناسی در شرایطی آسیب‌پذیر قرار دارند و باید این فرصت در اختیار آن‌ها قرار داده شود تا حقوق خود را در طول درمان اعمال نمایند. دعای مشمول LPT، باید به‌سرعت توسط دادگاه‌ها رسیدگی شده و زمان آن بسیار کوتاه است. بنابراین اهمیت زیادی دارد که ابلاغ‌ها و اسناد دعوا بدون تأخیر به بیمار تحت مراقبت اجباری روان‌شناسی تحویل شود تا بتواند در موعد مناسب خود را برای رسیدگی به دعوا آماده کند. به همین ترتیب، اهمیت دارد که رأی نیز به‌سرعت به بیمار ابلاغ شود تا بتواند از حق تجدیدنظرخواهی خود استفاده کند.

بیمارستان نمی‌تواند از انتقاد در خصوص تأخیر در ابلاغ احضاریه‌ها و آراء از دادگاه اداری به بیماری که تحت مراقبت اجباری در بیمارستان براساس LPT است اجتناب کند.

براساس اظهارات آمبودزمان، زمانی که اسناد و مدارک این‌چنینی به بیمار ابلاغ می‌شود، این موضوع باید در سوابق بیمار ثبت گردد. در موردی که ابلاغ این اسناد و مدارک به بیمار بدون تأخیر امکان‌پذیر نیست، ارزیابی صورت گرفته در این خصوص نیز باید در سوابق ثبت

شود. از آنجایی که هیچ مقرره صریحی در خصوص مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات مراقبتی برای ثبت این اطلاعات وجود ندارد، آمبودزمان بیمارستان را در خصوص عدم ثبت چنین اطلاعاتی موردانتقاد قرار نخواهد داد.

از دیدگاه حقوقی و قانونی، شاید بتوان این موضوع را در نظر گرفت که آیا مقرره‌ای در خصوص مسئولیت ثبت جزئیات در باب زمان ابلاغ مدارک دادگاه به بیمار باید تصویب شود یا خیر. بنابراین آمبودزمان رونوشتی از تصمیم خود را به وزارت بهداشت و امور اجتماعی برای کسب نظر آنان ارسال کرد. (۲۰۱۵-۳۱۱۲)

## مقامات بازار کار / مؤسسات

### انتقاد از مؤسسه عمومی کارایی سوئدی آرتفورمدلینگن به دلیل ناتوانی در لغو برنامه آموزشی بازار کار به‌رغم وجود ارتباطات و انگیزه لازم.

آرتفورمدلینگن نامه‌ای رسمی به انجمن ورزشی اسکاتلند (G.A.A) ارسال کرد که دربردارنده پاسخی نسبت به شکایتی است که مطرح کرده و تصمیم به لغو برنامه آموزش بازار کار برای وی می‌باشد.

تصمیم لغو، رأساً و بدون ارسال قبلی اسناد و مدارک مبنای تصمیم و بدون فراهم نمودن فرصتی برای اظهارنظر در این خصوص توسط G.A.A انجام گرفته است. شرایط و اوضاع و احوال موجود نشان‌دهنده وجود ارتباط و مکاتبه نیست. آرتفورمدلینگن در این رابطه موردانتقاد واقع شد.

به‌علاوه، آمبودزمان اطمینان حاصل می‌کند که مشخص نیست نامه رسمی ارسالی به G.A.A متضمن تصمیمی در این رابطه باشد و از طرف دیگر مشخص نیست کدام مقرره تشکیل‌دهنده مبنای این تصمیم است. بنابراین فهم این نامه رسمی دشوار بوده و شرایط اساسی برای اتخاذ تصمیم نیز مهیا نمی‌باشد. آرتفورمدلینگن از این جهت موردانتقاد واقع شد. همچنین مؤسسه کارایی بابت مطلع نساختن G.A.A از اقدامات مقتضی در صورت عدم رضایت از تصمیم و نظر به نقض آن، موردانتقاد واقع شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شیوه رسیدگی آربتفورمدلینگن به موضوع لغو برنامه آموزشی G.A.A به تعهد به ارتباط و مکاتبه و تعهد به ارائه اطلاعات و انگیزش عمل نشده است. این موضوع بر اهمیت تضمین آربتفورمدلینگن از اجرای اصول و قواعد حقوق اداری در رسیدگی‌ها تأکید دارد. آمبودزمان به‌طور مثبت بر اموری تمرکز می‌کند که در مؤسسه آغاز شده و تأکید دارد که تداوم در تقویت اطلاعات کارمندان مؤسسه از مدیریت حقوق اداری واجد اهمیت است. (۲۰۱۵-۲۹۰۱)

## مهاجرت

### ۱- اظهارات مرتبط با امکانات پلیس در راستای به‌کارگیری تدابیر و اقدامات اجباری در زمان ممانعت از ورود یا دستور اخراج بر اساس فصل ۱۲ بخش ۱۴ قانون بیگانگان.

به‌دنبال تصمیم آژانس مهاجرتی سوئد برای اخراج یک زن پناه‌جو و فرزندان کوچک وی، موضوع نزد مقامات پیشین پلیس استکهلم به‌منظور تنفیذ و اجرای آن دستور مطرح شد. در صبح روز اخراج، مقامات پلیس شروع به بازرسی محل اقامت زن کردند و در آنجا وی و فرزندان را یافتند. آن‌ها سپس به ایستگاه پلیس و پس از آن به فرودگاه برده شدند. فصل نهم از بخش ۹ قانون بیگانگان به‌عنوان مبنای تصمیم به جمع‌آوری آنان توسط پلیس مطرح شد. این تصمیم حکایت از آن دارد که مقرر مبنای تصمیم پلیس به جمع‌آوری این افراد در این دعوا قابلیت اعمال ندارد. از آنجاکه هیچ مقرر قانونی دیگری برای حمایت از این اقدام وجود نداشت، مقامات پلیس برای انجام این اعمال موردانتقاد واقع شدند. در این تصمیم، آمبودزمان اظهار می‌دارد که قانون بیگانگان باید به‌روشنی توضیح داده شود تا مشخص شود پلیس در زمان اعمال ممانعت از ورود یا دستور به اخراج، اجازه اعمال کدام اقدامات قاهرانه را دارد. بنابراین این تصمیم به وزارت دادگستری ارسال شد. (۲۰۱۵-۸۳۶)

## ۲- اظهارات راجع به امکان اجازه پلیس به فرد بازداشت شده برای ملاقات با مقامات سفارت کشور متبوعش.

به دنبال تصمیم آژانس مهاجرت سوئد به اخراج یک پناهجو، موضوع در اختیار مقامات پیشین پلیس در بخش گولبورگ برای اجرا قرار گرفت. مقامات پلیس براساس فصل دهم بخش اول قانون بیگانگان سوئد به منظور آمادگی برای اجرای دستور به اخراج، این شخص را بازداشت کردند. از آنجاکه این شخص مدارک مورد نیاز سفر برای اخراج را نداشت، مقامات پلیس وی را به سفارت کشورش منتقل کردند. این سفر و ملاقات در سفارت به رغم میل و اراده این شخص صورت گرفت. طبق اظهارات پلیس، مقرر ناظر بر بازداشت شدگان مستلزم انتقال فرد بازداشت شده به سفارت کشورش می باشد.

این تصمیم مقرر می داد که تعریف از بازداشت شده با جزئیات کامل در قانون مشخص نشده است. از آنجاکه اقدامات قاهرانه پلیس در چارچوب فرد بازداشت شده نباید صرفاً تابع تفسیر مقرر موجود در فصل ۱۰، بخش اول قانون بیگانگان باشد، این تصمیم به وزارت دادگستری تقدیم شد. همچنین آمبودزمان تردید دارد که محرمانه بودن حمایت از افراد در ملاقات با سفارت باید اجرا گردد.

با در نظر گرفتن تردیدهای موجود در اجرای این قانون، هیچ انتقادی به مقامات پلیس در خصوص ملاقات با سفارت وارد نیست. (۲۰۱۴-۲۴۸۸)

## ۳- احکام راجع به امکان توسل به زور توسط پلیس به منظور ملاقات فرد بازداشت شده با مقامات سفارت کشورش

شخصی که تقاضای وی برای پناهندگی رد شده و محکوم به ارتکاب جرمی نیز شده بود، از سوئد اخراج شد. مسئولیت اجرای حکم اخراج این شخص به عهده مقامات پلیس سوئد بود. این شخص براساس بخش اول از فصل دهم قانون بیگانگان سوئد به منظور آمادگی برای اخراج بازداشت شد. شرکت هواپیمایی که این شخص قرار بود با هواپیمای آن پرواز کند، نیازمند «نامه پذیرش» برای سوار کردن وی در هواپیما بوده، بنابراین این شخص به رغم میل باطنی خود به سفارت کشور متبوعش اعزام شد تا آن ها چنین سندی را ارائه دهند. زمانی که

پلیس با مقاومت این شخص روبرو شد، با توسل به زور تلاش در انتقال و ملاقات وی با سفارت نمود.

آمبودزمان در حکمی جداگانه، بیان می‌دارد که مشخص نیست مقامات پلیس براساس چه قانونی می‌توانند برخلاف اراده و میل بازداشت‌شده، او را به سفارت اعزام کنند و قانون بیگانگان باید تبیین نماید چه اقدامات قاهرانه ای باید توسط پلیس انجام گیرد. (۲۰۱۴-۲۴۸۸) مبنای این تصمیم نیز همین مورد است. آمبودزمان اظهار می‌دارد زمانی که فردی قرار است اخراج شود و چنین بیان می‌دارد که در عزیمت به سفارت همکاری نخواهد کرد، پلیس باید به‌طور کامل بررسی نماید که آیا این ملاقات باید در هر صورت انجام گیرد یا حکم اخراج را می‌توان به شکل دیگری به اجرا درآورد. با این حال اگر این ملاقات باید صورت گیرد، باید به‌صورت انسانی و همراه با حفظ کرامت و شرافت شخص و نیازهای کلی و عمومی و اصول تناسب مقرر در بخش ۸ مقررات پلیس انجام گیرد.

در رابطه با شرایط قانونی بودن توسل به زور علیه فرد بازداشت‌شده، باید خاطر نشان ساخت که بخش ۱۰ از مقررات پلیس از این موضوع به‌طور کامل حمایت نمی‌کند. با این وجود، متعاقب فصل ۲۴ بخش دوم از قانون مجازات سوئد، پلیس این حق را دارد که علیه فرد به‌منظور اجرای حکم در طول انتقال به سفارت و ملاقات در آنجا متوسل به زور گردد.

آمبودزمان نتوانست به این نتیجه برسد که پلیس در جریان ملاقات در سفارت بیش از حد مجاز به زور متوسل شده، با این وجود به بررسی این موضوع پرداخت که آیا رویکرد پلیس در اجرای حکم به شیوه انسانی همراه با حفظ کرامت افراد بوده یا خیر.

این واقعیت که پلیس در برخی موارد به زور متوسل می‌شود تا اعزام به سفارت را انجام دهد، مبنای درک آمبودزمان از این امر را شکل می‌دهد که در قانون بیگانگان باید تبیین گردد. رأی صادره به وزارت دادگستری ارسال شد. (۲۰۱۵-۱۵۴۸)

#### ۴- انتقاد از اداره مهاجرت سوئد برای تشخیص سن پناه‌جو قبل از صدور رأی نهایی

##### در خصوص دعوی

در تاریخ ژانویه ۲۰۱۳، م.س. تقاضای پناهندگی سوئد را نمود، و چنین اظهار داشت که ۱۶ سال دارد. در ارزیابی ابتدایی سن، اداره مهاجرت هیچ دلیل برای بررسی سن اعلام‌شده نیافت

و تاریخ تولد وی را ژانویه ۱۹۹۷ ثبت نمود. در جولای ۲۰۱۳ اداره مهاجرت تقاضای او را رد کرده و تصمیم به اخراج وی گرفت. در این رأی، ارزیابی اداره مهاجرت این بود که م.س. دلایل کافی درخصوص اثبات سن خود ارائه نکرده و در ارتباط با این تصمیم، در زمان ثبت تقاضا وی ۱۸ سال داشته است.

دادگاه مهاجرت در سپتامبر ۲۰۱۳ تصمیم اداره مهاجرت را نقض و موضوع را برای رسیدگی بیشتر اعاده نمود. توجیه این تصمیم بر این اساس بود که اطلاعات کافی برای ارزیابی سن این شخص وجود نداشت. اداره مهاجرت، رسیدگی به پرونده م.س. را ادامه داد اما سن وی را تغییر نداد. او همچنان ۱۸ ساله تلقی می‌شد. پس از رسیدگی و بررسی بیشتر درخصوص سن او، اداره مهاجرت در ژوئن ۲۰۱۴ درخواست وی را رد کرد.

آمودزمان پیش‌تر بر این اظهار داشت در زمان ارزیابی این مسأله که متقاضی صغیر یا بالغ تشخیص داده می‌شود، فرض بر این است که این ارزیابی در ارتباط با تصمیم اتخاذی در پرونده پناهندگی صورت می‌گیرد. تا این مرحله، سن اعلامی توسط متقاضی در زمان ثبت درخواست باید موردپذیرش قرار گیرد، مگر اینکه آشکار باشد اطلاعات اظهارشده نادرست است. طبق اظهارات آمودزمان، اداره مهاجرت باید سن ثبت‌شده م.س. را به سنی تغییر دهد که در زمان نقض تصمیم اداره مهاجرت توسط وی اعلام‌شده بود و پس‌از آن رسیدگی به پرونده پناهندگی ادامه یابد.

اداره مهاجرت به این دلیل موردانتقاد قرار گرفت که سن م.س. را قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در پرونده مهاجرت مشخص و قطعی دانسته بود و او را به‌عنوان فردی نابالغ مجدداً ثبت نکرده بود. (۱۵-۲۰-۵۳۹)

## ۵- پیگیری زمان‌های طولانی رسیدگی در دعاوی صدور جواز در هیأت مهاجرتی

### سوئد

برای سال‌های طولانی، افراد درخصوص زمان طولانی رسیدگی در هیأت مهاجرتی به آمودزمان شکایت کرده‌اند و در این رابطه که ارتباط با کارمندان هیأت بسیار مشکل است اعتراض کرده‌اند.

آمبودزمان یک بررسی کلی در این رابطه انجام داده است. در دو مورد در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴ هیأت مهاجرت با اعتراضاتی راجع به زمان‌های طولانی رسیدگی در امور مربوط به اجازه اقامت به دلیل روابط خانوادگی و شغل، و عدم ارائه خدمات متناسب و غیرقابل دسترس بودن مواجه شد.

از این رو آمبودزمان به نظارت بر این امور از طریق تدابیر اتخاذی توسط هیأت مهاجرت ادامه داد تا زمان‌های رسیدگی را مدیریت کرده و از این طریق ارائه خدمات به متقاضیان را بهبود بخشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمان رسیدگی در موضوعات مرتبط با اجازه اقامت به دلیل پیوندهای خانوادگی افزایش یافته است؛ به رغم اقداماتی که توسط اداره مهاجرت صورت گرفته است.

آمبودزمان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که دلیل اطاله دادرسی اساساً خارج از کنترل اداره مهاجرت بوده و بنابراین هیچ انتقادی به هیأت در این رابطه وارد نیست. با این وجود شرایط ایجادشده بحرانی و انتقادپذیر است. مسئولیت نهایی در خصوص توانایی هیأت مهاجرت به صدور آرای در یک بازه زمانی معقول و منطبق با مقررات قانونی بر عهده دولت سوئد و مجلس قانون‌گذاری است. بنابراین آمبودزمان رونوشتی از تصمیم خود را به وزارت دادگستری ارسال کرده است.

در طی این مدت، هیأت مهاجرت به‌طور مداوم سعی در بهبود خدمات و دسترسی به متقاضیان داشته است. اداره مهاجرت نیز در توسعه و رسیدگی به این امور ادامه خواهد داد. آمبودزمان هیچ دلیل و مبنای دیگری در خصوص خدمات و قابلیت دسترسی به هیأت را نیافته است. (۲۰۱۵-۲۱۳۲)



## مسائل داخلی مربوط به شهرداری

### ۱- انتقاد از هیأت شهرداری در منطقه لینکوپینگ و ریاست هیأت شهرداری در خصوص لغو یکی از گروه‌های موسیقی در جشنواره موسیقی جوانان در نقض مقررات دولتی.

هیأت فرهنگ و رفاه در منطقه شهری لینکوپینگ در ۱۶ آگوست ۲۰۱۴ یک جشنواره موسیقی را برای جوانان ترتیب داد. در ابتدای آغاز به کار ریاست هیأت شهرداری لینکوپینگ، برنامه یکی از گروه‌های موسیقی لغو شد و دلیل آن سابقه این گروه در عدم تطابق با ارزش‌های اساسی و پایه‌ای شهرداری لینکوپینگ بود. در جنگ رسانه‌ای و مباحثه‌ای که از شهردار لینکوپینگ به عمل آمد، ملاحظاتی که مبنای این تصمیم را تشکیل می‌دادند شرح داده شد و چنین بیان شد که لغو برنامه این گروه موسیقی به این علت بوده است که اظهارات مبهمی در رابطه با دیدگاه خود در خصوص خشونت به عنوان یک روش سیاسی داشته و اعضای این گروه صراحتاً خشونت سیاسی را محکوم نکرده و در عوض چنین خشونت‌ی را موردستایش قرار داده‌اند. در بیانیه‌های شهرداری به آمبودزمان، چنین بیان شد که دغدغه اصلی آن‌ها تحسین خشونت سیاسی توسط این گروه موسیقی بود.

آمبودزمان در تصمیم خود اظهار می‌دارد که تمامی تصمیمات شهرداری باید بر اساس مقررات دولتی منطبق بر اهداف عینی و خارجی باشد. شهرداری که به عنوان هماهنگ‌کننده جشنواره موسیقی عمل می‌کند، در انتخاب اینکه جشنواره در چه جهتی هدایت شود و نوع موسیقی که در آن اجرا می‌شود و هنرمندانی که دعوت می‌شوند آزادی کامل دارد. در ارتباط با انتخاب هنرمندان و موسیقی، اصل بی‌طرفی به ندرت محدودیتی را در این زمینه به دنبال دارد. اگر شهرداری لغو اجرای یکی از هنرمندان را در نظر می‌گیرد، اصل بی‌طرفی در حد گسترده‌تری متناسب با موضوع قرار می‌گیرد. تصمیم اتخاذی نباید ارادی بوده و برای مثال نباید بر پایه دیدگاه‌های هنرمند باشد. به منظور کاستن از خطر تعارض با اصل بی‌طرفی، شهرداری‌ها باید از مسیرهای مشخص و رویه‌های تصمیم‌گیری قاعده‌مندی تبعیت کنند.

آمبودزمان اشاره می‌کند که ممکن است لغو اجرای یک هنرمند به دلایل امنیتی و انتظامی قابل توجیه باشد. باین‌وجود ملاحظات انتظامی و مربوط به نظم عمومی نمی‌تواند عذر و بهانه تلقی شود. براساس اطلاعات ارائه‌شده توسط شهرداری، طبق نظر آمبودزمان شاید مشکل بتوان دلایل امنیتی و نظم عمومی را از جمله دلایل لغو اجرا تلقی نمود. در عوض، شهرداری بر این نکته تأکید دارد که مبنای تصمیم به لغو دیدگاه‌هایی است که توسط اعضای گروه مطرح شده است. از این‌رو، طبق نظر آمبودزمان، تصمیم اتخاذشده مغایر با اصل بی‌طرفی مندرج در بخش ۹ از فصل اول مقررات دولتی به‌ویژه در ارتباط با حمایت از آزادی بیان مصرح در بخش اول از فصل ۲ است. شیوه رسیدگی به فرآیند تصمیم‌گیری در این رابطه توسط شهرداری و به‌ویژه ریاست آن از این نتیجه پشتیبانی می‌کند. (۲۰۱۴-۴۶۰۲)

## ۲- انتقاد از کمیته فرهنگی شهر گوتنبورگ درخصوص استفاده از کتابخانه شهر گوتنبورگ به شیوه‌ای که منتج به اجاره تالار کنفرانس کتابخانه شده است.

یک انجمن، تالار کنفرانس کتابخانه شهر گوتنبورگ را برای سخنرانی در موضوع مهاجرت رزرو کرده بود. انتقادات زیادی به این سخنرانی وارد شد و کتابخانه تصمیم گرفت تا در ارتباط با این سخنرانی مصاحبه‌ای با یک مهاجر در رابطه با زندگی مهاجران ترتیب دهد. مدیریت کتابخانه در یک مصاحبه چنین اعلام کرد که سخنرانی انجمن توسط کتابخانه ترتیب داده نشده است. وی همچنین بعدها اظهار داشت که برنامه خود کتابخانه نیز راهی برای تسهیل مسیری برای شنیده شدن صداهای مختلف در راستای آنچه که انجمن به‌دنبال آن بود تلقی می‌شود. طبق نظر آمبودزمان، تنها می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که کتابخانه با برنامه‌ای که خودش ترتیب داد قصد داشت تا گسستگی خود را از محتوای مورد انتظار سخنرانی نشان دهد. چند روز بعد، کتابخانه بر آن شد تا به تفاهم‌نامه خود با انجمن به‌دلیل خطر بروز آشوب عمومی خاتمه دهد. باین‌حال، مبنای این تصمیم محدود بود. برنامه کتابخانه همان‌گونه که ترتیب داده‌شده بود پیش رفت.

طبق نظر آمبودزمان، اوضاع و احوال حاکی از این است که محتوای سخنرانی و عقیده عمومی منفی بر تصمیم کتابخانه به خاتمه دادن به موافقت‌نامه با انجمن تأثیرگذار بوده است. کمیته فرهنگی شهر گوتنبورگ، که مسئولیت فعالیت‌های کتابخانه را بر عهده دارد، درخصوص

عدم متابعت از شرایط مقررات دولتی در رابطه با بی‌طرفی در برخورد با این موضوع موردانتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۴-۵۲۲۱)

### ۳- انتقاد از کمیته انتخابات در شهرداری جارفالا در خصوص نواقص اجرای انتخابات

#### عمومی ۲۰۱۴

شخصی از رأی دادن در انتخابات عمومی ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۴ منع شده بود زیرا نام وی در فهرست انتخاباتی در حوزه انتخابیه تیک خورده بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها تفسیر موجود این است که کارمندی که فهرست انتخاباتی را علامت می‌زند، در تیک زدن نام این شخص اشتباه کرده است. در این حال، در همان حوزه انتخابیه، شخصی قادر به رأی دادن در انتخابات پارلمانی شد اگرچه حق رأی‌دهی در آن انتخابات را نداشت. در موارد متعددی، اسناد و مدارک دال بر اینکه چگونه هویت رأی‌دهندگان بررسی شده است یافت نمی‌شود. کمیته انتخابات در شهرداری جارفالا برای این کاستی‌ها موردانتقاد واقع شد. تصمیم اتخاذ شده نشانگر اهمیت دقت و نظم و ترتیب در زمان برگزاری انتخابات است. (۲۰۱۴-۵۲۴۵)

#### برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز

### ۱- انتقاد از هیأت زیست‌محیطی و ساختمان در شهرداری کرامفورز در خصوص

#### تأخیر در بررسی موضوع جواز ساختمان و غیره.

این هیأت در ابتدا در رابطه با روند کند و آهسته بررسی یک مورد مربوط به جواز ساختمان تحت قانون سابق برنامه‌ریزی و ساختمان موردانتقاد واقع شد.

در موردی در خصوص جواز ساختمانی تحت قانون فعلی برنامه‌ریزی و ساختمان، تصمیم کمیته هیأت اجرایی استان فسخ شده و موضوع برای بررسی مجدد به هیأت ارجاع شد. زمانی که موردی در رابطه با جواز یا اخطار قبلی مجدداً توسط مرجع بالاتر به هیأت ارجاع می‌شود، هیأت باید موضوع را مجدداً بررسی کرده و در این خصوص تصمیم‌گیری کند. سپس مهلت‌هایی که تحت فصل نهم بخش ۲۷ از قانون برنامه‌ریزی و ساختمان به آن تصریح شده است را اعمال نماید. در صورتی که این اقدامات اجرایی در زمان عودت پرونده به هیأت

انجام شده باشد، هیأت در طول ۱۰ هفته تصمیم خود را لغو می‌کند. در چنین مواردی پرونده‌ای که برگشت می‌خورد از اولویت برای رسیدگی مجدد برخوردار است. بنابراین هیأت در رابطه با عدم رعایت مهلت‌های قانونی در زمان بررسی پرونده موردانتقاد قرار می‌گیرد. (۲۰۱۴-۲۶۴۱)

## ۲- انتقاد از کمیته محیط‌زیست و ساختمان در شهرداری پارتیل درخصوص رسیدگی به پرونده اعلاہ شده و انتقاد از کارمند در رابطه با محتوای یک ایمیل.

در فوریه ۲۰۱۳، هیأت اجرایی استان، موردی درخصوص مداخله براساس قانون برنامه‌ریزی و ساختمان را به کمیته محیط‌زیست و ساختمان ارجاع داد. با بررسی آمبودزمان، هنوز هیأت در این موضوع تصمیم نگرفته و به همین دلیل موردانتقاد واقع شده است. همچنین یکی از کارمندان به دلیل محتوای ایمیلی که مخالف با شرایط اصل بی‌طرفی است موردانتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۴-۴۳۹۸)

## موارد مرتبط با مداخله پلیس، دادستان و مأمورین گمرک

### ۱- انتقاد از افسر پلیس در اداره پلیس استان سودرمن لند به این دلیل که اطلاعاتی تفصیلی در رابطه با مداخله علیه یک شخص را در حساب کاربری خود در فیسبوک قرار داده بود.

آمبودزمان پست ارسال شده توسط یکی از حساب‌های کاربری فیسبوک پلیس را موردبررسی قرار داد. این پست متضمن شرح تفصیلی از مداخله پلیس علیه شخصی می‌باشد که بیان می‌دارد وی مظنون به ارتکاب یکی از جرائم مواد مخدر می‌باشد. در کنار این متن تصویری از شخص موردنظر قرار داشت که روی زمین خوابیده و پرسنل آمبولانس وی را بازداشت کرده بودند.

افسر پلیس، مسئول این قضیه موردانتقاد واقع شد زیرا این خطر وجود داشت که شخص موضوع مداخله ممکن است شناسایی شود و این تصویر شخص را در موقعیتی آسیب‌پذیر نشان

می‌داد. براساس نظر آمبوزمان، افسر پلیس با انتشار این عکس و بیان نظر خود، اعتبار و بی‌طرفی پلیس را مورد مخاطره قرار داده است.

در این تصمیم، آمبوزمان چنین اظهارنظر می‌کند که پلیس در ارتباط با شرح و وصف افراد در شبکه‌های اجتماعی چه رفتاری باید داشته باشد. از این رهگذر، اشاره شده که اگر شخصی توسط پلیس بازداشت شده یا اینکه هرگونه ارتباطی با پلیس داشته، این خطر را به دنبال دارد که این موضوع توسط پلیس در شبکه‌های اجتماعی منتشر گردد و از این رو اعتماد به پلیس از بین می‌رود. این موضوع مخصوصاً در مواردی که از حساسیت بالایی برای فرد برخوردار است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با این وجود، با فرض اینکه شخصیت فرد و زندگی خصوصی وی مورد احترام قرار دارد، طبق اظهارات آمبوزمان هیچ دلیلی وجود ندارد که بتوان از انتشار چنین اخباری - به‌طور کلی و بدون اشاره به خصوصیات فرد مورد نظر - توسط پلیس در شبکه‌های اجتماعی ممانعت به عمل آورد.

از نظر آمبوزمان، پستی که ارسال شده نمونه واضح و مشخصی از پستی است که فرد را در شرایط آسیب‌پذیری نشان می‌دهد و متضمن اطلاعات مفصلی در مورد مداخله است. در رابطه با محرمانه بودن اقدامات پلیس، چنین پست‌هایی مناسب برای انتشار در شبکه‌های اجتماعی نیستند. (۲۰۱۴-۴۶۲۶)

## ۲- اظهارات راجع به پست یکی از مقامات پلیس در فیسبوک، که در آن، مقام مورد نظر دیدگاه شخصی و بازناب آن را بیان می‌کند.

آمبوزمان پستی را در حساب کاربری فیسبوک پلیس مورد بررسی قرار داد که در آن افسر پلیس دیدگاه خود را در خصوص اینکه افسران پلیس نژادپرست هستند بیان کرد. براساس نظر آمبوزمان، بررسی اینکه این پست چه ارتباطی با هدف حضور پلیس در شبکه اجتماعی به‌منظور کاهش جرائم و افزایش امنیت دارد بسیار دشوار است. هیچ پیامی مبنی بر پیشگیری از وقوع جرم دیده نمی‌شود و اطلاعات مستقیمی درباره اقدامات پلیس نیز ارائه نمی‌شود. با این همه، این خطر نیز وجود دارد که پلیس بی‌طرف تلقی نشود. این تصمیم بر این موضوع تأکید دارد که فردی از جانب پلیس در شبکه‌های اجتماعی مطالبی را می‌نویسد، نماینده این

مقام بوده و بیان دیدگاه‌های شخصی مقامات پلیس در این رابطه شایسته نیست. همچنین آمبودزمان نظراتی درخصوص شیوه بیان در پست ارسالی ارائه می‌کند. (۲۰۱۵-۳۰۰)

### **۳- انتقاد از رئیس پلیس محلی در استکهم درخصوص افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده درخصوص شخصی که مظنون به ارتکاب جرم در حوزه بخش آموزش و مدرسه بوده است.**

یکی از مقامات ارشد پلیس اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای راجع به شخصی که مظنون به ارتکاب جرم مرتبط با مواد مخدر که در استخدام مدرسه بود را افشا نمود. یکی از شرایط افشای اطلاعات این است که گیرنده اطلاعات واقعاً به این اطلاعات نیاز داشته و منافع موجود در افشای آن حقیقتاً بر منافی که وصف محرمانه بودن اطلاعات به دنبال حمایت از آن است غالب باشد. براساس نظر آمبودزمان، در زمان ارزیابی منافع، نقطه آغاز این است که دلایل محرمانگی به‌عنوان یک سازوکار حمایتی از مظنونین به ارتکاب جرم دارای اهمیت فراوانی است.

در پرونده حاضر، طرح این ادعا دلیلی ندارد که جرم موردنظر بر سایر افراد در مدرسه یا سایر بچه‌ها و نوجوانان تأثیر گذاشته است. به‌علاوه، نمی‌توان اثبات کرد جرمی که فرد مظنون به ارتکاب آن است، مستلزم خطر آسیب رساندن به افراد حاضر در مدرسه است. در این شرایط و اوضاع و احوال، دلایل کافی برای افشای اطلاعات راجع به مظنونین به ارتکاب جرم وجود ندارد.

رئیس پلیس محلی درخصوص افشای این اطلاعات موردانتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۴-۶۲۹۰)

### **۴- اظهاراتی راجع به زمان بازداشت در موارد مربوط به معاضدت قضایی تحت قانون مراقبت از معتادان (مقررات خاص)**

آمبودزمان زمان بازداشت را در موارد مرتبط با معاضدت قضایی تحت قانون مراقبت از معتادان مورد بررسی قرار داده و از مقامات پلیس درخواست کرد تا مدت‌زمان بازداشت افرادی که بیش از ۲۴ ساعت در توقیف بوده‌اند را گزارش کند. در طول مدت‌زمان بررسی (۱۸ ماه)، پلیس ۸۰ مورد را گزارش کرد که زمان توقیف آن‌ها بیش از ۲۴ ساعت طول کشیده است. براساس

اظهارات پلیس، مدت زمان طولانی توقیف در بیشتر موارد به این علت است که سرویس نقل و انتقال زندان منابع کافی در اختیار ندارد تا انتقالات مورد نظر پلیس را انجام دهد. آمبودزمان در تصمیم خود به این نکته اشاره می‌کند که قابل قبول نیست زمان بازداشت به چند روز منتهی شده و دلیل اینکه نقل و انتقال با تأخیر مواجه می‌شود این است که خدمات نقل و انتقال قادر به انجام آن نیست.

این تصمیم اشعار می‌دارد که انتقال فردی که بر اساس قانون مراقبت از معتادان تحت معاضدت قضایی قرار دارد، باید پس از دستگیری وی بلافاصله انجام شود. علاوه بر آن، اشاره شده که تفکیک مسئولیت‌های پلیس و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در خصوص انتقال بازداشت‌شدگان هنوز در این تصویب‌نامه مقرر نشده است. در چارچوب مقرر کنونی، مسئولیت نهایی انتقال در بازه زمانی معقول با پلیس است. (۲۰۱۴-۶۲۹۳)

## ۵- اظهاراتی در خصوص پیش شرط‌های بازرسی ملک، به دنبال اتهام استفاده

### شخصی از مواد مخدر

ب.ف. خارج از آپارتمانش توسط پلیس متوقف شد. از آنجا که وی مظنون به استفاده از مواد مخدر بوده، توسط پلیس مورد بازرسی بدنی قرار گرفت. از آنجایی که پلیس به این مشکوک بود که وی داخل آپارتمانش هم مواد مخدر داشته باشد داخل ملک را نیز بازرسی کردند. بررسی آمبودزمان بیشتر ناظر بر این بود که آیا دلایل و مبنای قانونی برای بازرسی ملک وجود دارد یا خیر. مبنای تصمیم به بازرسی ملک این است که ب.ف. علائمی مبتنی بر استفاده از مواد مخدر نشان داده و فوراً آپارتمان خود را ترک کرده بود. از دیدگاه آمبودزمان، این شرایط می‌تواند دلایل این اتهام را ایجاد کند که شخص قبل از مداخله پلیس در آپارتمان خود مواد مخدر مصرف کرده است. طبق شرایط کلی قضیه، این قسم از اوضاع و احوال حقیقی، می‌تواند دلیل مظنون شدن به وجود مواد مخدر داخل آپارتمان باشد. به همین دلیل و با توجه به جوانب احتیاطی ناظر بر موضوع، از دیدگاه بازرسی آمبودزمان دلیلی ندارد تا تصمیم پلیس راجع به بازرسی آپارتمان را مورد انتقاد قرار دهیم. اهمیت ثبت وقایع در موارد اتخاذ اقدامات و تدابیر قهری و اجباری نیز به پلیس یادآوری شد. (۲۰۱۵-۹۷۱)

## ۶- گزارشی علیه مقامات پلیس پیشین سوئد در ایالت دالارنا در خصوص گنجاندن

### اطلاعات محرمانه در مورد نام طرف متضرر در گزارش بازرسی مقدماتی

در جریان یک بازرسی مقدماتی، طرف متضرر نام خانوادگی خود را تغییر داد. جزئیات شخصی وی قرار بود نسبت به مضمون محرمانه باقی بماند. نام جدید خانوادگی وی در گزارش بازرسی مقدماتی درج شد و در اختیار مضمون قرار گرفت.

آمبودزمان در تصمیم خود اظهار می‌دارد که مضمون حق مسلم دسترسی به جزئیات موجود در گزارش بازرسی مقدماتی را دارد. اعلان عمومی راجع به بازرسی مقدماتی مقرر می‌دارد که نام طرف متضرر باید در گزارش بازرسی مقدماتی گنجانده شود، اما آمبودزمان بر این باور است که پنهان کردن نام متضرر از مضمون امکان ندارد.

آمبودزمان بر این باور است که این موضوع اهمیت اساسی دارد که مضمون از هویت متضرر از جرم باید آگاه باشد تا بتوان به‌طور مؤثری از خود دفاع کند. اگر هویت شخص برای مضمون آشکار باشد، هیچ دلیلی وجود ندارد که نام جدید و تغییر یافته متضرر از وقوع جرم را به اطلاع مضمون برسانند. طبق نظر آمبودزمان، باهدف افزایش وصف محرمانه بودن رسیدگی‌ها و هویت متضرر از وقوع جرم در چنین شرایطی، تغییرات نسبت به قواعد و مقررات موجود باید مورد نظر قرار گیرد. بنابراین این رأی به وزارت دادگستری ارسال شد. (۲۰۱۵-۱۱۳۶)

## ۷- اظهارات متضمن حق داشتن وکیل در زمان بازجویی از متهم زیر ۱۸ سال

ج.س. ۱۵ ساله به اتهام شروع به جرم ایراد ضرب و جرم شدید عمدی بازداشت شد. در ارتباط با بازداشت، پلیس بدون حضور وکیل از وی بازجویی نمود. بررسی آمبودزمان به موضوع حق دفاع ج.س. و تحقق آن مرتبط است.

این تصمیم اشعار می‌دارد که محدوده بازجویی در خصوص پرونده -یعنی بازجویی مفصل تری نسبت به جلسه رسیدگی- با متهم زیر ۱۸ سال بدون حضور وکیل بسیار محدود است. در صورتی که متهم نوجوان در بازداشت نیز باشد، علی‌الاصول نباید جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل برگزار گردد. این موضوع در حال حاضر در دستورالعمل دادستان کل در خصوص حق متهمان نوجوان به داشتن وکیل تصریح شده است.



با توجه به اینکه ج.س. تنها ۱۵ سال داشت، و اینکه در بازداشت بوده و اتهامات وارده به وی متضمن جرم سنگینی است، براساس نظر آموذزمان به نظر واضح می‌رسد که یک وکیل باید به وی در طول رسیدگی مشاوره دهد. اگر وکیل قادر به شرکت در رسیدگی نبود، جلسه دادرسی باید محدود به استماع اتهامات کیفری وی و عکس‌العمل او نسبت به این اتهامات باشد تا بتوان مشخص نمود آیا او تمایل به مداخله وکیل دارد یا خیر.

با در نظر گرفتن مسائل پدید آمده جدید، آموذزمان بر اهمیت ارائه اطلاعات در خصوص حق دسترسی به وکیل و تحقق آن به گونه‌ای تأکید دارد که موجب ایجاد فشار بر متهم نشود تا از حق داشتن وکیل چشم‌پوشی کند.

مقامات پلیس ایالت اوربرو را می‌توان در خصوص بازجویی از ج.س. بدون حضور وکیل موردانتقاد قرار داد. (۲۰۱۵-۲۰۲-۲۵۰۲)

## ۸- اظهاراتی در خصوص حق داشتن وکیل در جریان بازجویی از متهم به یکی از

### جرایم شدید

م.ک. متهم به ایجاد حریق بوده و خودش نیز در جریان آتش‌سوزی صدمه‌دیده بود. مراقبت درمانی وی در بیمارستان مدت‌زمان طولانی به طول انجامید. در طول بستری وی در بیمارستان، بازجویی مفصلی از وی در خصوص این اتهام به عمل آمد که وکیل متهم در جریان آن حضور نداشت. بررسی آموذزمان ناظر بر تحقق حق دفاع م.ک. بود.

در این تصمیم اشاره شده است که جلسه رسیدگی به‌طور تمام و کمال انجام‌شده و اتهامات وارده به م.ک. شدید و با درجات بالا بودند. وی نیز آسیب جدی دیده و این گمان وجود داشت که وی در زمان بازجویی در وضعیت سلامت روانی قرار ندارد. به‌رغم این موضوع، از دیدگاه آموذزمان کاملاً مشخص است که م.ک. بایستی در جریان رسیدگی از مشورت وکیل مدافع استفاده کند.

مطابق نظر آموذزمان، شرایط به‌گونه‌ای پیش رفته است که دادرسی متعاقب صدور رأی نباید بدون حضور وکیل مدافع برگزار شود. در چنین مواردی، مسئولیت نهایی در خصوص حق دسترسی متهم به وکیل بر عهده پلیس و مقامات تعقیب قضایی است.

مسئولیت اولیه حفظ و رعایت حق متهم به داشتن وکیل بر عهده رییس تحقیقات مقدماتی است. در این تصمیم، آموذزمان اظهاراتی قطعی و یقینی درخصوص تقسیم مسئولیت میان رییس بازجویی و رییس تحقیقات مقدماتی درخصوص حضور وکیل مدافع در جلسه دادرسی ابراز می‌دارد.

در این تصمیم، آموذزمان تأکید دارد که حق دسترسی به وکیل مدافع از لوازم اساسی حق دفاع متهم است. بنابراین شایسته به نظر می‌رسد که در چنین مواردی ارزیابی‌های لازم انجام شود. همچنین آموذزمان بر اهمیت هرگونه اغماض از حضور وکیل مدافع به شیوه مطمئن و قانونی تأکید دارد. (۲۰۱۵-۲۹۴۳)

## **۹- انتقاد از مقامات پلیس پیشین اسکین درخصوص تأخیر در گزارش دادن بازداشت شخصی ۱۵ ساله به دادستان و همچنین انتقاد از دو نفر از مقامات تعقیبی درخصوص توقیف و بازداشت نوجوان ۱۵ ساله**

ی.ف. ۱۵ ساله به اتهام شروع به سرقت از کمد اتاق رختکن در استخر شنا مورد بازداشت قرار گرفت. تقریباً ۵ ساعت پس از بازداشت، بازجویی او مطابق با بخش ۸ فصل ۲۴ قانون آیین دادرسی آغاز شد. یک ساعت بعد، دادستان از این بازداشت مطلع شده و تصمیم به ادامه بازداشت ی.ف. گرفت. آموذزمان چنین استدلال می‌کند که موضوع سلب آزادی نوجوان به‌گونه‌ای است که غالباً مشکوک بوده و ارزیابی آن دشوار است. اگر فرد بازداشت شده زیر ۱۸ سال سن داشته باشد، این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که موضوع بازداشت هرچه سریع‌تر به اطلاع دادستان برسد. در چنین مواردی شایسته است که این امر پیش از بازجویی از متهم صورت گیرد. آموذزمان بر این نظر است که اقدامات پلیس درخصوص ابلاغ به دادستان و بازجویی از ی.ف. با شرط سرعت در رسیدگی مطابق با پاراگراف دوم بخش ۸ فصل ۲۴ از قانون آیین دادرسی هماهنگی ندارد. می‌توان این امکان را در نظر گرفت که اقدامات پلیس بر مدت‌زمان سلب آزادی ی.ف. تأثیرگذار باشد. مقامات پلیس اسکین برای این تأخیر موردانتقاد قرار گرفتند.

زمانی که یک نوجوان متهم به ارتکاب جرمی باشد، شماری از قواعد و مقررات را باید در نظر گرفت که در مجموع مستلزم این است که نوجوانان تنها در موارد استثنایی تحت بازداشت قرار گیرند. آمبودزمان در نظر می‌گیرد که اتهام وارده به ی.ف. آنقدر جدی و شدید نبوده که مستلزم بازداشت وی باشد، صرف‌نظر از اینکه خطر مداخله و تحریف ادله تا چه اندازه بالا باشد. به همین ترتیب، مجازات مستلزم سلب آزادی نمی‌تواند نسبت به ی.ف. قابل اعمال باشد. براساس نظر آمبودزمان، شرایط به‌گونه‌ای مهیا نشد که بتوان دلایل استثنایی برای بازداشت در نظر گرفت و بنابراین دلایل کافی برای بازداشت وجود ندارد. دادستان درخصوص تصمیم به بازداشت ی.ف. مورد انتقاد واقع شد.

دادستانی که برای رسیدگی به این دعوی منصوب شده بود، باید فوراً بازداشت را لغو و ی.ف. را آزاد می‌کرد. همان‌طور که توالی حوادث نشان داد، ی.ف. در مجموع بیش از ۲۴ ساعت در بازداشت قرار داشت. دادستان درخصوص شیوه‌ای که با سلب آزادی متهم برخورد کرد موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۴-۶۳۸۳)

**۱۰- انتقاد از دادستان سابق درخصوص ارائه جزئیاتی از اطلاعات حساس و دقیقی که از تلفن همراه استخراج شده بود به متهم، علیرغم اینکه این اطلاعات در باب رسیدگی به جرم موردنظر هیچ اهمیتی نداشتند.**

در این تصمیم، آمبودزمان اظهاراتی درخصوص حق متهم به دسترسی به اطلاعات تحقیقات مقدماتی و امکان محدود کردن حق دسترسی باوجود وصف محرمانگی بیان می‌کند. آمبودزمان دیدگاه‌های متفاوتی که در این رابطه در سوابق قانون‌گذاری، رویه و دکتین وجود دارد را تبیین کرده، و اطمینان حاصل می‌کند که در این خصوص پاراگراف اول بخش سوم فصل ۱۰ قانون دسترسی عموم به اطلاعات و محرمانگی (OSL) است که مطابق آن حق دسترسی متهم محدود شده است. طبق نظر آمبودزمان، چنین دستوری از مبانی و دلایل خوبی برخوردار است. مبانی قانونی که براساس آن این حق دسترسی شناسایی شده است، نمی‌تواند مستلزم این باشد که متهم حقی مسلم به دسترسی به تمامی اطلاعاتی دارد که در جریان

تحقیقات مقدماتی به دست آمده است. این امر متضمن اطلاعاتی است که در خصوص رسیدگی کیفری هیچ اهمیتی ندارند.

در تحقیقات مقدماتی مورد بحث، از تلفن همراه متضرر از وقوع جرم اطلاعاتی به دست آمد. تمامی این اطلاعات استخراج شده در گزارش تحقیقات مقدماتی درج شده بود. براساس نظر آموذزمان، طرف متضرر باید چنین تصور کند که مقامات اجرایی قانون تدابیر لازم را اتخاذ کرده تا از انتشار اطلاعات شخصی و خصوصی جلوگیری شود. دادستان مسئول در خصوص عدم کنترل کافی بر اینکه چه اطلاعاتی در گزارش تحقیقات مقدماتی درج شده بود مورد انتقاد واقع شد. بعلاوه، این امر منتهی به آشکار شدن اطلاعاتی به متهم شد که به احتمال بسیار زیاد براساس پاراگراف اول بخش ۳ فصل ۱۰ از OSL باید محرمانه باقی می ماند. (۶۶۷۳-۲۰۱۴)

## ۱۱- انتقاد از دادستان در خصوص اعمال محدودیت‌هایی در زمینه‌ی ملاقات و

### مکاتبات فرد بازداشت شده

ه.ب. به اتهام ایراد ضرب و جرح شدید عمدی تحت بازداشت قرار گرفت. متضررین از وقوع جرم دو پسر وی بودند. محدودیت‌هایی در باب ملاقات، نامه‌ها و سایر مکاتبات، تماس‌های تلفنی و جلسات ملاقات با وکیل مدافع برای حدود ۴ ماه بر وی تحمیل شد.

آموذزمان هیچ دلیلی نیافت تا در باب تحمیل این محدودیت‌ها بر ه.ب. تحقیق کند، چراکه ریسک مداخله در ادله موجود در این پرونده بسیار بالا بود. بررسی صورت گرفته توسط آموذزمان مرتبط با تصمیم دادستان در خصوص اعمال تخفیف در محدودیت‌های مرتبط با ملاقات و مکاتبات بود.

بنا به نظر آموذزمان، تخفیف‌های کافی در خصوص این محدودیت‌ها به ه.ب. اعطا نشده بود، مخصوصاً در این خصوص که او اجازه نداشت در طول دادرسی با همسر خود در ارتباط باشد. این بدان معناست که این محدودیت‌ها به‌طور نامتناسب نسبت به همسرش نیز اعمال شده است. بر طبق نظر آموذزمان، زمانی که تحقیقات مقدماتی ه.ب. به پایان رسید، بایستی حداقل اجازه مکاتبات و ملاقات تحت نظارت را داشته باشد. بررسی آموذزمان هیچ دلیل و مبنای قانونی را نیافت که بتواند مانع این تخفیفات بر محدودیت‌های اعمال شده گردد.

## ۱۲- بررسی چگونگی توجیه آرا و تصمیمات متضمن صدور قرار منع.

آمودزمان در جریان اقدامات نظارتی خود اظهار داشته در آرای که منتهی به صدور قرار منع می‌شوند، دلایل مصرح در این تصمیمات کلی بوده و به میزان کافی به صورت فردی درنیامده است. بنابراین وی دستور بازرسی ۵ مورد از ادارات تعقیب و پیگرد را داد که به بررسی پرونده‌های منتهی به صدور قرار منع پرداخته‌اند. نقطه شروع این بررسی شرط موجود در بخش ۱۲ از قانون قرارهای منع بوده که تصریح دارد چنین تصمیمی باید مکتوب بوده و شامل دلایلی باشد که نتیجه را مشخص می‌کنند.

در جریان این بازرسی‌ها، مشخص شد در ۳۰ تا ۵۰ درصد از این آرا، دلایل و مبانی صدور قرار منع ذکر نشده است. از طرف دیگر، این تصمیمات از مبانی مستحکمی برخوردارند. آمودزمان اشاره می‌کند که قرار منع می‌تواند محدودیت مهم و اصلی درخصوص شخص و آزادی رفت‌وآمد وی تلقی شود. بنابراین اهمیت دارد که مبانی این تصمیم واضح و مشخص بوده و برای محکوم‌علیه آشکار باشد بر چه مبنایی این قرار منع درخصوص وی صادر شده است. از منظر قطعیت حقوقی و قانونی باید این شرط محقق شود، و مطابق با نظر آمودزمان، تحقق پیشرفت و بهبود حیاتی است. (۲۰۱۵-۲۷۷۱)

## زندان و اقدامات تأمینی

### ۱- انتقاد جدی از زندان و اقدامات تأمینی درخصوص کاستی‌های موجود در ملاقات

#### قربانی/مجرم

این جلسات و ملاقات شامل ارتباط با اقوام زندانی، بررسی شرایط درخواست زندانی برای ملاقات و استفاده از تلفن می‌باشد. این عملیات بدین معناست که کارمندان زندان ارتباط منظمی با اقوام زندانی دارند.

براساس نظر رییس آمودزمان، این امکان باید فراهم باشد که شرایط ایده آلی برای ملاقات بزه‌دیده/مجرم مهیا گردد؛ چراکه این فعالیت‌ها مرتبط با افرادی است که خارج از سیستم زندان هستند و در برخی موارد حدودثغور نظام زندان‌ها و اقدامات تأمینی را احاطه

می‌کند. چکیده‌ای که توسط آمبودزمان گردآوری شده است نشان می‌دهد که امروزه تفاوت‌های زیادی در جلسات ملاقات بزه دیده- مجرم در چگونگی اجرای این دستورات در کشور دیده می‌شود. یکی از دلایل این امر این است که مدیریت متمرکز در خصوص این اقدامات و فعالیت‌ها وجود ندارد.

طبق نظر آمبودزمان، تفاوت‌های اساسی که امروزه میان جلسات بزه دیده- مجرم وجود دارد و تجربه آمبودزمان از بررسی‌های پیشین وی از این‌گونه اقدامات نشان می‌دهد که موارد مشابه به‌طور یکسان حل‌وفصل نمی‌شوند. نبود ساختاری مشخص نیز درک این اقدامات را برای زندانیان دشوار می‌سازد. طبق نظر رییس آمبودزمان اگر به هر مؤسسه اجازه داده شود که به‌طور مجزا برای توسعه عملیات مرتبط با ملاقات مجرم/قربانی مسئول باشد، می‌توان به بررسی این امر پرداخت که آیا سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مطابق با آمال و اهداف مقامات محلی زندان‌ها و اقدامات تأمینی به‌صورت یک‌نهاد واحد عمل کرده است یا خیر.

بر طبق دیدگاه رییس آمبودزمان، نظام کنونی رضایت‌بخش نیست و ضرورت دارد فوراً موارد زیر تنظیم و یکپارچه گردند:

- اقدامات مرتبط با جلسات بزه‌دیده- مجرم

- این اقدامات چه رویکردی در قبال این رسالت اتخاذ خواهند نمود.

براساس نظر رییس آمبودزمان، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید بیانیه‌ای را در ارتباط با آغاز آزمایش جلسات بزه دیده- مجرم تنظیم کنند. این اقدامات دربردارنده مسائل حساسی است که بر اشخاص ثالث نیز تأثیرگذار است. این امر به همراه اطلاعات دیگری که به‌دست آمده است، مستلزم این است که انتقاد جدی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در خصوص اجازه پیشرفت و تداوم این فعالیت‌ها بدون وجود یک مدیریت متمرکز وارد گردد. (۲۰۱۴-۱۴۲۰)

## ۲- انتقاد از خدمات انتقال سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و پلیس پیشین در

### ایالت سودرمنلند در خصوص تأخیر در انتقال زندانی

همان روزی که شخصی با دستور تمدید قرار بازداشت مواجه شد، مقامات پلیس در ایالت سودرمنلند دستور انتقال زندانی را توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی صادر کردند.

براساس قاعده اصلی قانون آیین دادرسی، شخصی زندانی باید بدون تأخیر به بازداشتگاه معرفی شود. به‌رغم این مقرره، سه روز طول کشید تا خدمات انتقال زندان‌ها به پلیس اطلاع دهد که تا دو روز دیگر امکان انتقال زندانی وجود ندارد. شخص بازداشت‌شده مجبور شد تا ۵ روز دیگر در بازداشتگاه پلیس باقی بماند.

این رأی بیان می‌کند که علی‌القاعده انتقال فرد زندانی به بازداشتگاه باید در همان روزی که بازداشت می‌شود انجام گیرد. در موارد استثنایی، می‌توان تأخیر در انتقال را تا یک روز پذیرفت. به‌علاوه، خدمات انتقال زندانی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد هیچ تکلیفی ندارد تا به پلیس در انتقال متهم بازداشت‌شده از بازداشتگاه پلیس به زندان مساعدت کند. با این وجود، برای مدت طولانی، خدمات انتقال زندانیان مسئولیت اصلی اتخاذ اقدامات متناسب در راستای رفع نیاز سایر مقامات و نهادها در پروسه انتقال را داشته و در این رابطه نیز بودجه‌ای به این سازمان اختصاص داده شده است. سایر نهادها نیز فعالیت‌ها و اقدامات خود را با شرایط تطبیق داده و خدمات انتقالی نیز لازمه این عملیات است.

فقدان ساختاری رسمی که آشکارا نشان می‌دهد کدام نهاد مسئول انتقال افراد است بدین معناست که افراد دستگیرشده در این میانه را به خطر می‌اندازند. تا زمانی که قانون‌گذار، در این خصوص قانونی وضع نکرده باشد، مسئولیت سنگینی بر دوش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی است تا این کاستی‌ها را جبران کند. این بدان معناست که در صورتی که خدمات انتقال افراد چنین ارزیابی کند که انتقال در این بازه زمانی امکان‌پذیر نخواهد بود بایستی فوراً به مقام دستوردهنده پاسخ دهد. خدمات انتقالی در خصوص مدت‌زمان طولانی برای اطلاع به پلیس درباره عدم انجام فوری انتقال زندانیان موردانتقاد واقع شد. همچنین پلیس نیز به این دلیل موردانتقاد قرار گرفت که درجایی که آشکار بوده است خدمات انتقال زندانیان با موانعی روبرو بوده است زودتر اقداماتی در راستای تسریع فرآیند انتقال زندانی انجام نداده است، این تصمیم همچنین دربردارنده اظهاراتی در خصوص نیاز به تفسیر قوانین موجود مرتبط در این رابطه که کدام نهاد مسئول انتقال افراد بازداشت‌شده است. این نیاز به دولت و مجلس اعلام شد.

### ۳- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد، زندان کالمار، درخصوص

#### پروسه کند و آهسته پرونده‌ای درخصوص توقیف اموال

گروه بازرسی زندان در سالن مطالعه زندان لارستروم پوشه‌های متعددی را پیدا کرد که اسناد درون آن‌ها متعلق به افراد متفاوتی بود. این پوشه‌ها تا زمانی که مسئولین زندان تشخیص دهند متعلق به چه کسانی هستند توقیف شد. شاکی ادعا کرد که این پوشه‌ها متعلق به وی هستند. به‌رغم این امر، دو هفته و نیم طول کشید تا زندان در جلسه‌ای که با شاکی داشت، توانست تشخیص دهد که این پوشه‌ها حقیقتاً به وی تعلق دارند. آمبودزمان در تصمیم خود اشعار می‌دارد که باید فهرستی مختصر تهیه شود درباره مواردی که توقیف شده‌اند تا اطلاعات مندرج در آن و مالک آن‌ها بررسی شود. براساس نظر آمبودزمان، مسئولان زندان باید فوراً تحقیق کنند که این اشیا به چه کسی تعلق دارند و آیا این افراد مجاز به تملک این اشیا هستند یا خیر، تا بتوانند آن را برگردانده یا طبق بخش دوم فصل ۷ قانون زندانیان آن را بر عهده بگیرند. (۲۰۱۰:۶۱۰) زندان درخصوص این تأخیر موردانتقاد قرار گرفت.

زمانی که مسئولان زندان تشخیص دادند که این اشیا متعلق به شاکی است، درخواست نمودند تا بخشی از اشیا در اختیار آن‌ها قرار بگیرد. در این زمان بیش از ۶ هفته قبل از اینکه شاکی اشیا را تحویل بگیرد می‌گذرد. مسئولان زندان درخصوص این مدت طولانی موردانتقاد قرار گرفتند. بعلاوه، بازرسی زندان در رابطه با محتوای پاسخ مکتوبی که به شاکی درخصوص اعتراض وی به بررسی مالکیت وی نسبت به اشیا توسط مسئولین زندان داده شده بود موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۴-۵۸۹۹)

### ۴- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد درخصوص استفاده از

#### واحدهای امنیتی به‌منظور استقرار زندانیانی که تحت شمول بخش ۴ فصل دوم

#### قانون زندان‌ها قرار نگرفته‌اند.

مطابق با بخش اول از فصل دوم قانون زندان‌ها، زندانی ممکن است در زندان مستقر نشود تا در معرض نظارت و کنترلی بیشتر برای حفظ نظم و امنیت باشد. واحدهای عالی امنیتی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در زندان سالتویک برای سال‌ها از این روش درخصوص



افرادی استفاده کرده است که به دلایلی نیازمند حمایت هستند. رییس آمبودزمان نسبت به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در رابطه با برخی انتصابات انتقاد جدی وارد کرد و اعلام نمود این شکل از حبس زندانیان بیش‌ازحد لزوم سخت‌گیرانه است. (۲۰۱۴-۶۳۸۴)

## ۵- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی به‌ویژه بخش اقدامات تأمینی

### وانرزبورگ درخصوص ثبت گزارش به‌طور شفاهی

مسئول اقدامات تأمینی در وانرزبورگ در رابطه با نگرانی نسبت به فرزند پسر محکومی که درخصوص او از تجهیزات نظارت الکترونیکی استفاده می‌شود براساس بخش اول فصل ۱۴ پاراگراف اول قانون خدمات اجتماعی (۲۰۰۱:۴۵۳) گزارشی را ثبت نمود. گزارش در این خصوص به‌طور شفاهی تنظیم شد و در گزارش روزانه محکوم ثبت شد؛ زمانی که این گزارش تهیه شد، در دسترس کودکی که به او مربوط می‌شد قرار گرفت. با این وجود، این گزارش دربردارنده اطلاعات اساسی گزارش یا اطلاعات ارائه‌شده به خدمات اجتماعی نمی‌باشد. در این تصمیم، آمبودزمان بیان می‌کند که این قسم گزارش‌ها علی‌القاعده باید مکتوب باشند. اگر چنین گزارشی شفاهاً تنظیم گردد، سازمان خدمات زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید در گزارش روزانه محکومین به شفاهی بودن آن اشاره کند. به نظر آمبودزمان، سازمان خدمات زندان‌ها و اقدامات تأمینی، باید بر ویژگی دلایل مبنای گزارش تأکید ورزد. بدین ترتیب باید مشخص نمود چگونه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی درمی‌یابد کودک درخطر قرار داشته و یا چه چیزی باعث می‌شود مسئولین تردید پیدا کنند این کودک در مخاطره قرار دارد. این گزارش باید شامل اطلاعات مربوط به مکاتبه با خدمات اجتماعی در آن خصوص باشد. آمبودزمان چنین نتیجه‌گیری می‌کند در مواردی که گزارش به‌صورت شفاهی تنظیم شده است ملاحظات مسئول بخش اقدامات تأمینی مطابق با شرایط ثبت در گزارش روزانه نمی‌باشد. مسئول بخش اقدامات تأمینی درخصوص عدم ثبت گزارش روزانه موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۴-۶۵۹۱)

## ۶- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در زندان و استرویک نورا، درخصوص نواقص موجود در ثبت موارد مربوط به تماس‌های ورودی، فقدان اطلاعات درباره ملاقات و نبود فرصت مناسب برای زندانیان برای نظارت بر ملاقات

براساس فصل ۳ مقررات زندان (۲۰۱۰:۲۰۱۰)، زندانی حق دارد پس از عزیمت به محل بازداشتگاه و زندان، درخصوص موقعیت خود به بستگان خویش اطلاع دهد، مگر اینکه دلایل مشخصی خلاف آن وجود داشته باشد. این مقرر زمانی که زندانی از یک زندان به زندان دیگری منتقل می‌شود نیز جاری است. این ارتباطات «تماس ورودی» نامیده می‌شود. در قضیه حاضر شاکی ادعا می‌کند که همسرش وقتی به زندان و استرویک نورا منتقل شد، اجازه اطلاع به او را نداشت. بررسی آمودزمان نشان می‌دهد هیچ سند و مدرکی دال بر این وجود ندارد که چنین اجازه‌ای به همسر شاکی داده شده تا در صورت تمایل با خانواده‌اش تماس بگیرد. همچنین مدرکی دال بر انجام این تماس یافت نشده، و یا مدرکی دال بر این که مؤسسه انجام چنین عملی را به دلایلی ممنوع اعلام کرده باشد نیز وجود ندارد. در این تصمیم، آمودزمان بیان می‌کند که زندان باید این امر را ثبت نماید که آیا از زندانی سؤال پرسیده است که می‌خواهد به خانواده یا اقوام خود اطلاع دهد، و آیا چنین تماسی صورت گرفته است یا خیر. زندان همچنین باید رویکرد خود را در شرایطی که زندانی می‌خواهد به وابستگان خود اطلاع دهد و زندان دلایلی برای ممانعت از این امر ملاحظه می‌کند ثبت نماید. آمودزمان زندان را درخصوص شیوه اقدام در رابطه با گرفتن تماس در مورد اخیر مورد انتقاد قرار می‌دهد. (۲۰۱۴-

۶۸۷۷)

## ۷- بررسی امکان اینکه زندانیان با تشدید اقدامات تأمینی، اجازه نگاه کردن به اطراف از دریچه پنجره محل اسکان خود را داشته باشند.

این تصمیم حکایت از آن دارد که امکان اینکه زندانی اجازه بررسی اطراف محل بازداشت در بازداشتگاه یا زندان خود را داشته باشد، می‌تواند آثار منفی سلب آزادی را بی‌اثر کند. به همین دلیل، طبق نظر رییس آمودزمان، این حق باید به‌عنوان یکی از حقوق اساسی زندانیان تلقی شود که محل زندان یا بازداشتگاه باید دارای پنجره‌هایی باشد که نور خورشید در طول روز در

آن داخل شده و زندانیان بتوانند اطراف را مشاهده کنند. همچنین کنترل مستقل نفوذ روشنایی روز در بازداشتگاه باید یکی از حقوق اساسی زندانیان باشد. به همین ترتیب، این امر فرصتی را در اختیار زندانیان قرار می‌دهد تا اطراف خود را از درون محوطه تماشا کنند.

این حقوق در صورتی محدود می‌شوند که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی دریا بد که به دلایل امنیتی و انتظامی، این محدودیت در مورد فردی ضرورت دارد. اگر زندانی مکلف به ماندن در محیطی باشد که این حقوق را محدود می‌سازد، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید اقداماتی را اتخاذ کند تا اثرات منفی این محدودیت‌ها را کاهش داده و اطمینان حاصل کنند که اقامت آن‌ها در چنین محیط‌هایی امکان‌پذیر است.

در این تصمیم، رییس آمبودزمان در خصوص اقداماتی که بازداشتگاه‌های فردی و شخصی به منظور جلوگیری از ارتباط ناخواسته زندانیان از طریق پنجره محل اقامت خود اتخاذ می‌کنند و ممانعت از تماشای سایر اشیاء و اموال موجود در محوطه اظهار عقیده می‌کند. (۲۰۱۴-۷۱۷۳)

## ۸- انتقال علیه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، و مراکز بازداشت در

### سالنویک، سالبرگا و اومیا، با این ادعا که زندانیان اجازه تماس ورودی را ندارند.

دو نفر که قرار تشدید تأمین در خصوص آن‌ها صادر شده بود، شکایت کردند که نتوانسته‌اند به اطلاع بستگان خود برسانند که در بازداشتگاه سالبرگا هستند. بررسی آمبودزمان نشان می‌دهد که این افراد به اتهام ارتکاب جرمی بازداشت شده و از میان دیگر مراکز بازداشت، به بازداشتگاه سالبرگا منتقل شده‌اند.

در تصمیم آمبودزمان مشخص شد که هیچ تعهدی مبتنی بر قانون اساسی برای بازداشتگاه برای اطلاع به بستگان فرد تحت بازداشت وجود ندارد. بنابراین آمبودزمان هیچ‌گونه انتقادی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی وارد نمی‌سازد. در این تصمیم، آمبودزمان به اظهارات قبلی در مسائل مربوط به اطلاع‌رسانی به بستگان و یا عزیزان بازداشت‌شدگان اشاره دارد (رجوع کنید به شماره ۲۰۱۳-۱۹۴۴). سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در بیانیه خود خطاب به آمبودزمان در این مورد، نشان می‌دهد که مقامات مسئول در نظر دارند روش‌های رایج برای حل مسائل مربوط به اطلاع‌رسانی به بستگان را توسعه دهند. آمبودزمان اقدامات سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی را با روش‌های رایج رو به گسترش تحت نظارت قرار می‌دهد.

همچنین آمبودزمان رونوشتی از این تصمیم را به وزارت دادگستری و کمیسیون حقوقی و قضایی پارلمان به منظور اطلاع رسانی ارسال می‌دارد. دلیل این امر این است که آمبودزمان توجیه واقعی و عملی در خصوص تفاوت در تعهدات راجع به اطلاع رسانی در ارتباط با افرادی که به اتهام ارتکاب جرم در بازداشت به سر می‌برند و افرادی که به دلایل دیگر بازداشت شده‌اند را دشوار یافته است.

## **۹- شکایت علیه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد، زندان نورتلیه، در این خصوص که زندانیان در سلول‌های انفرادی اجازه سپری کردن زمان در فضای باز را ندارند.**

همه زندانیان در یک بخش از زندان نورتلیه در سلول‌های انفرادی قرار داده شده بودند و اجازه سپری کردن زمان در فضای باز (راه رفتن) را نداشتند. زندان کارکنان بیشتری را به منظور آماده‌سازی مسکن به خدمت گرفت تا برخی از زندانیان در سلول‌های انفرادی را نقل مکان کنند، به طوری که سلول‌های انفرادی زندانیان دیگر را بتوان لغو نمود.

در بیان اتخاذ این تصمیم اظهار شده است که یک ساعت پیاده‌روی روزانه یکی از حقوق اساسی زندانیان است که تنها در صورت وجود دلایل استثنایی ممکن است مورد ممانعت قرار گیرد. این بدان معنی است که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید به‌طور فعال اقدامات لازم برای حل و فصل این وضعیت که منجر به نبود فرصت پیاده‌روی روزانه برای زندانیان شده است را اتخاذ نماید.

رئیس آمبودزمان هیچ اعتراضی به مقامات زندان نورتلیه در خصوص تصمیم به بکارگیری کارکنان بیشتر به منظور در اولویت قرار دادن اقدامات برای سرعت بخشیدن به حذف برخی از احکام حبس انفرادی به جای ارائه مدت زمان پیاده‌روی در فضای باز روزانه یک ساعت زندانیان است وارد نکرده است. در این حال، مهم‌ترین جنبه این است که زندان تدابیری برای حل و فصل اوضاع حاد و بحرانی در نظر گرفته است.

این تصمیم همچنین شامل برخی از اظهارات در رابطه با تعهد به ثبت مستندات از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد و حبس جداگانه تحت فصل ۶ بخش ۵ از قانون زندان است. (۲۰۱۵-۲۸۲)

## ۱۰- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد، زندان یوله، درخصوص ارتباط

### با خدمات اجتماعی به‌رغم عدم رضایت زندانی

یک زندانی تقاضای برقراری تماس تلفنی با دوست خود را داشت، و به‌طور شفاهی به زندان برای تماس با خدمات اجتماعی و بررسی رابطه بین او و دوستش و نیاز به این تماس موافقت کرده بود. باوجوداینکه زندانی بعدها از رضایت خود عدول نمود، زندان و خدمات اجتماعی درمورد دلایل زندانی برای داشتن تماس با دوست خود بحث و بررسی کردند. آمبودزمان استدلال می‌کند که بررسی‌های صورت گرفته دربردارنده این نتیجه نیست که زندان اطلاعات محرمانه مربوط به زندانی را برای خدمات اجتماعی آشکار کند. بااین‌وجود آمبودزمان این امر را موردانتقاد قرار می‌دهد که در این خصوص بررسی صورت گرفته است. طبق نظر آمبودزمان، بررسی این موضوع پس از عدول زندانی از رضایت خود نامناسب است. بررسی اینکه چگونه زندان نفع خود را در بررسی ارتباط بین زندانی و دوستش در نظر می‌گیرد دشوار است.

## ۱۱- انتقاد جدی از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد و زندان فارینگو،

### درخصوص استفاده از اسپری فلفل به شیوه‌ای نامناسب

در نوامبر ۲۰۱۴ کارکنان زندان فارینگو یک قوطی اسپری فلفل (اسپری OC) را در یک جعبه ذخیره‌سازی از کابینتی که قبلاً برای ذخیره‌سازی قوطی‌های اسپری استفاده می‌شده است پیدا کردند. هنگامی که این اسپری پیدا شد، جعبه محتوی آن برای مدت طولانی در فضایی که زندانیان در بخش پذیرش زندان به آن دسترسی داشتند به‌صورت قفل نشده قرار داده شده بود. در زمان بازرسی این بخش به خاطر وجود اسپری فلفل، زندانیان به سلول‌های انفرادی منتقل شدند.

رئیس آمبودزمان انتقادات جدی به این موضوع وارد می‌کند که مدیریت نادرست درخصوص اسپری فلفل منجر به این شد که مقامات زندان کنترل بر موضوع را از دست داده و

این کاستی‌ها پیامدهای گسترده‌ای برای تعدادی از زندانیان به همراه داشت. از آنجایی که یک قوطی اسپری فلفل در محلی که زندانیان برای مدت‌زمان طولانی به آن دسترسی داشتند نگه‌داشته شده بود، رئیس آموذزمان درمی‌یابد که این خطر نیز وجود داشته که ممکن بود به‌دست افراد نادرست بیفتد و به‌این ترتیب کارکنان و زندانیان را در معرض خطر قرار داده است. این تصمیم همچنین شامل اظهاراتی مشخصی در خصوص اعمال بخش ۵ فصل ۶ قانون زندانیان است. (۲۰۱۵-۱۰۹۶)

## ۱۲- انتقاد جدی نسبت به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد در خصوص

### کاستی‌های موجود در ارتباط با قرار دادن زندانیان در انفرادی

هنگامی که آموذزمان از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد، زندان سالتویک دیدار کرد، مشاهده کرد که سه زندانی در انفرادی قرار داده شده‌اند. از آنجاکه به نظر می‌رسید برخی سردرگمی‌ها در خصوص قراردادن زندانیان در انفرادی وجود دارد، رئیس آموذزمان تصمیم به بررسی این موضوع گرفت. این تصمیم نشان داد که دو تن از زندانیان بدون وجود دلایل لازم در انفرادی قرار داده شده‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که در برخورد با زندانی سوم و در تصمیم به قرار دادن زندانیان در سلول انفرادی نیز کاستی‌هایی وجود داشته است. از آنجاکه این موضوع مربوط به ایجاد محدودیت در یکی از حقوق اساسی است، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مورد انتقاد جدی قرار می‌گیرد. (۲۰۱۵-۱۵۱۰)

## ۱۳- انتقاد نسبت به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در زندان گوتنبرگ،

### در خصوص یکی از کارمندان مذکر زندان که به بازرسی بدنی زندانی زن بدون پشتوانه

### قانونی پرداخت.

یکی از افسران مرد زندان به بازرسی بدنی یک زندانی زن از روی لباس پس از بازگشت او از مرخصی خارج از زندان در گوتنبرگ پرداخت. طبق مقررات زندان، این عمل ذیل فصل ۴ بخش ۴ از قانون زندان و بازداشتگاه انجام شده است. براساس این مقرره، در مقایسه با بخش ۷ بند ۱ در همان فصل، افسر مرد ممکن است یک زندانی زن را برای داشتن سلاح‌ها و سایر

اشیای خطرناک مورد بازرسی بدنی قرار دهد، آن هم در صورتی که به دلایل امنیتی ضرورت انجام چنین کاری وجود داشته باشد.

طبق نظر رییس آمبودزمان، با تصویب این ماده قانون گذار قصد این را دارد که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی را قادر به مقابله با شرایط قریب‌الوقوعی سازد که در آن هیچ‌یک از کارکنان زن وجود ندارد و در آن دلایل امنیتی اجازه انتظار برای انجام بازرسی بدنی را نمی‌دهد. زندانی زن به دلیل ورود دوباره در زندان مورد تفتیش قرار گرفت. زندان بازداشتگاه یک مرکز امنیتی با کنترل ورودی است و با توجه به نظر رییس آمبودزمان این‌یک مورد معمول است که در آن زندان بازداشتگاه قادر به برنامه‌ریزی شده است. همچنین زندان می‌تواند نیاز به افسران زن زندان که قادر به بازرسی بدنی زندانیان زن هستند را پیش‌بینی کند.

بنابراین، وضعیت مرتبط با بازرسی بدنی به چنین صورت شتاب‌زده‌ای به‌وجود نمی‌آید که در فصل ۴ بخش ۴ از قانون راجع به بازداشت به آن اشاره شده است. در عوض این اقدام ذیل فصل ۴ بخش ۳ بند ۲ قانون راجع به بازداشت انجام گرفته و بر این اساس، افسران مرد زندان مجاز به بازرسی بدنی یک زندانی زن نمی‌باشند. زندان بازداشتگاه در گوتنبرگ در خصوص اتخاذ اقدام قهری بدون حمایت قانون مورد انتقاد واقع شد. (۲۹۱۵-۳۸۴۴)

#### ۱۴- شکایت علیه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، زندان اسکانینگ، در رابطه با

##### اینکه یکی از ملاقات‌کنندگان به‌طور تصادفی در معرض بازرسی بدنی قرار گرفت.

یکی از زندانیان شکایت کرده که همسرش، در ملاقات با او در زندان اسکانینگ تاکنون چند بار در معرض جلسات بازرسی بدنی قرار گرفته است. در هر نوبت، کارمند زندان اعلام کرده است که این یک بازرسی تصادفی است. کارمند زندان همچنین اظهار داشت که این نوع بازرسی براساس رویه زندان می‌شود براساس انتخاب تصادفی انجام می‌گیرد.

رئیس آمبودزمان در تصمیم خود، بیان می‌کند که جستجوی سطحی بدن تنها زمانی ممکن است که به دلایل امنیتی در مورد فردی لازم در نظر گرفته شده و انجام گیرد. زندان اسکانینگ اعلام کرده است که این موضوع ثبت نشده است که چه زمانی ملاقات‌کننده دستخوش چنین بازرسی شده است و در نتیجه امکان پاسخ به تعداد دفعاتی که همسر شاکی به این صورت مورد بازرسی قرار گرفته است وجود ندارد.

رئیس آموذزمان اشاره می‌کند که بازرسی سطحی بدنی یک اقدام امنیتی تصادفی و بسیار سرزده است. اگر این اقدام، مستند و ثبت شده باشد، می‌تواند به کارکنان مسئول کمک کند - هم برای خود و هم برای فرد-قبل از انجام بازرسی مشخص کنند چرا چنین بازرسی لازم است. این امر مستلزم آن است که بازرسی بدنی به صورت معمول یا به طور تصادفی انجام نشود. اگر این اقدام، مستند شده باشد، تضمین می‌کند که کارمند زندان به اطلاع فرد تحت بازرسی برساند که این یک اقدام امنیتی داوطلبانه است و عواقب امتناع از چنین بازرسی را به او توضیح می‌دهد. به این ترتیب اسناد و مدارک مناسب نیز به عنوان یک اقدام امنیتی برای کارکنان زندان عمل می‌کند و مباحثی را پس از آن در این خصوص ایجاد می‌کند. برای مثال، آیا به ملاقات کننده اطلاعات صحیح در ارتباط با بازرسی داده شده است یا خیر.

به این دلایل، رئیس آموذزمان بر این عقیده است که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید روشی معرفی کند که مستلزم آن است که زندان‌ها و بازداشتگاه‌های کشور این نوع اقدامات امنیتی را ثبت کنند. (۲۰۱۵-۵۱۸۶)

**۱۵- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، زندان فارینسو، ساسیون و ایستد، درخصوص اقداماتی که فاقد حمایت قانونی درمورد اقلام فرستاده شده به زندانیان است.**

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، زندان فارینسو، ساسیون و ایستد، روش‌هایی را در رابطه با اقلام پستی زندانیان به اجرا گذاشته‌اند. در زندان فارینسو، کارکنان تمبر اقلام پستی را خراشیده یا پاره کرده‌اند، درحالی که کارکنان در دو زندان دیگر پاکت نامه‌هایی که اقلام پستی از آن طریق ارسال شده است را توقیف کرده یا دور انداخته‌اند. در عمل هدف مشترک این‌ها ممانعت زندانیان از دسترسی به اقلام ممنوعه (مواد مخدر) بوده و این امر به صورت منظم و بدون هرگونه ارزیابی در موارد فردی استفاده شده است. رئیس آموذزمان به انتقاد از زندان برای اجرای روشی که از حمایت قانونی لازم برخوردار نبوده است پرداخت.

علاوه بر این، زندان‌های ساسیون و ایستد پاکت نامه‌های توقیف شده در رابطه با آزادی زندانی را باوجود این سوءظن که ممکن است دربرگیرنده مواد مخدر باشند به آن‌ها



بازگردانده‌اند. رئیس آمبودزمان بیان می‌کند که، در صورت وجود سوءظن، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی باید جرم مواد مخدر را به مقامات پلیس گزارش دهند. (۲۰۱۵-۵۲۵۵)

## ۱۶- انتقاد جدی از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در خصوص نبود روش‌هایی

### به‌منظور بررسی اینکه زمینه‌های بازداشت باقی‌مانده است

فردی که به‌صورت غیابی در خصوص وی تشدید تأمین برقرار شده بود، توسط پلیس به بازداشتگاه گوتنبرگ فرستاده شد. با توجه به مقررات قابل‌اجرا، جلسه دادرسی مربوطه به بازداشت باید ظرف چهار روز از اجرای قرار بازداشت برگزار گردد. به دلایل نامشخص دادرسی هرگز برگزار نشد و در نتیجه هیچ دلیل قانونی برای نگه‌داشتن زندانی در زندان پس از چهار روز وجود نداشت. با این حال، زندانی به مدت شش هفته دیگر در بازداشت باقی ماند.

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی در پاسخ به آمبودزمان اعلام کرد که مقامات مربوطه هیچ مسئولیت رسمی در رابطه با گزارش به دادستان یا دادگاه را ندارند. این در حالی است که قرار بازداشت اجرا شده است.

رئیس آمبودزمان تأکید می‌کند که اقدام به بازداشت افراد یکی از وظایف مقام اجرایی است. به‌عنوان مرجع مؤثر بر چنین تصمیم‌گیری، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی نقش محوری در روند بازداشت دارد. از آنجایی که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مرجعی است که کنترل فیزیکی بر بازداشت‌شدگان دارد، در صورتی که زندانی توسط سایرین در این فرآیند فراموش شود، این سازمان مرجع مناسبی برای شناسایی آن است.

به این دلایل، طبق نظر رییس آمبودزمان، کاملاً معقول و منطقی به نظر می‌رسد که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مسئولیت تضمین این امر را بر عهده بگیرد که مراکز عملیاتی وابسته نه‌تنها اقدام به‌راستی آزمایشی اولیه از دلایل بازداشت نموده، بلکه نظارت کامل داشته باشند. اگر پذیرفته شود که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی نیازی به پذیرش چنین مسئولیتی ندارد، طبق نظر رییس آمبودزمان، این خطر مهم وجود دارد که این حادثه در بازداشتگاه گوتنبرگ دوباره رخ دهد. این موضوع به‌طور کامل در حالت حاکمیت قواعد حقوقی غیرقابل قبول است.

آنچه در این مورد رخ می‌دهد به رییس آمبودزمان این تصور را القا می‌کند که سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی نمی‌خواهند مسئولیت‌هایی را برعهده بگیرند که با نقش آن مقام در ارتباط با افراد تحت بازداشت وجود دارد. به این ترتیب، مقامات نیز نتوانستند رویه‌ای را ایجاد کنند که اطمینان حاصل شود که کارکنان مربوطه بررسی‌های لازم برای حصول اطمینان از وجود زمینه‌های قانونی برای نگهداری فردی در بازداشت را انجام می‌دهند. این نقصان منتهی به حادثه بازداشتگاه گوتنبرگ شده و در این رابطه، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سزاوار انتقاد جدی است. (۲۰۱۵-۶۰۵۰)

## **دسترسی عموم به اسناد و مدارک و طبقه‌بندی محرمانه در کنار آزادی بیان و آزادی مطبوعات**

### **۱- شکایت علیه مؤسسه کار (آیتسفورمدلینگن) درخصوص اسنادی که در جریان بررسی موضوع افشاسازی منهدم شدند؛ در کنار موضوع نسخه‌های پشتیبان یک حساب کاربری ایمیل که اشتهاً حذف شده بود**

در یکی از شکایات نزد آمبودزمان، چنین استدلال شده بود که مؤسسه کار اسنادی را در طول دوره‌ای از بررسی قضایی از بین برده است. تحقیقات درخصوص این موضوع نشان می‌دهد که مدارک درخواستی شامل ارتباطات پست الکترونیکی داخلی است که مدت‌ها قبل از این درخواست توسط مؤسسه کار از طریق بسته شدن حساب کاربری ایمیل، حذف شده است. زمانی که این اسناد درخواست شد، در سیستم‌های پردازش اطلاعات منظم آژانس یافت نشد، بلکه تنها نسخه‌های پشتیبان یافت شد. در تصمیم صادره می‌توان چنین نتیجه گرفت که هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد مؤسسه کار اسناد درخواستی در طول بررسی قضایی درحال انجام را از بین برده است.

این تصمیم همچنین به این سؤال می‌پردازد که آیا مؤسسه کار باید نسخه پشتیبان حساب ایمیل را در طول بررسی قضایی درحال انجام نگه دارد یا خیر. آمبودزمان چنین نتیجه می‌گیرد که تحقیقات درخصوص این موضوع، هیچ حمایتی از این نتیجه نمی‌کند که ارتباطات پست

الکترونیکی زمانی که حساب ایمیل بسته شده است به شکل نادرستی حذف شده است. بنابراین هیچ دلیلی برای انتقاد از مؤسسه کار در خصوص تهیه نسخه پشتیبان از حساب ایمیل حذف شده مطابق با رویه مراجع مربوطه به رغم چالش قانونی در حال انجام در صورت افشای ارتباطات ایمیل در حساب کاربری وجود ندارد. (۲۰۱۵-۴۳۴)

## ۲- انتقاد از یکی از مقامات رسمی در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی، زندان

### رینگسیون، در خصوص آغاز نکردن فوری افشای اسناد عمومی

در جریان یکی از بازدیدها به زندان رینگسیون، شخصی درخواست دسترسی به تصمیمات منتهی به صدور حکم برای زندانیان واقع در زندان در زمان بازرسی نمود. بازرس زندان به اطلاع فرد رساند که این درخواست نمی‌تواند به‌طور مستقیم انجام شود، اما زندان می‌تواند اسناد مورد درخواست را ارسال کند. فرد می‌تواند بعداً هنگامی که تصمیمات چاپ شده و در دسترس بود بازگردد.

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی اعلام کرده است که زندان دارای اداره‌ای اختصاصی نیست و لذا، این بازرس زندان است که باید به این درخواست رسیدگی کند. هنگامی که درخواست داده شد، ۴۰ دقیقه تا پایان روز کاری بازرس زندان باقی مانده بود. بنابراین، وی احتمالاً زمان کافی برای چاپ اسناد مورد درخواست قبل از پایان روز کاری را نداشته است. او همچنین وظایف دیگری دارد که نمی‌توان انتظار داشت کنار گذاشته شود.

رئیس آمبودزمان اشاره می‌کند که درخواست دسترسی به اسناد عمومی مربوط به حداکثر ۱۴ تصمیم است که محرمانه نیستند. هرچند که این موضوع نیازمند تشریفات اداری در خصوص چاپ تصمیمات است که چندان گسترده نیست. رئیس آمبودزمان معتقد است که موضوع افشای سند باید اولویت مرجع صالح قرار گیرد. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی جزئیات بیشتر در مورد وظایفی که بازرس زندان احساس نیاز به اولویت دادن نسبت به افشای اسناد کند، ارائه نکرده است. طبق نظر رییس آمبودزمان، نمی‌توان آن را به‌عنوان چیزی غیر از تعهدات کاری با ماهیت کلی‌تر تفسیر نمود. در چنین شرایطی، بازرس زندان باید درخواست افشای سند را در اولویت قرار دهد.

طبق نظر رییس آمبودزمان، بازرس زندان هیچ تکلیفی به ماندن بعد از ساعت کاری خود به منظور پاسخ‌گویی به درخواست ندارد. با این حال، ۴۰ دقیقه از ساعت کاری او باقی‌مانده بود زمانی که این درخواست شده بود. بنابراین طبق نظر رییس آمبودزمان، بازرس زندان باید در راستای انجام این درخواست کارش را آغاز می‌کرد.

رئیس آمبودزمان اشاره می‌کند که این درخواست در یک مرکز کوچک بدون وجود دفتر اجرایی صورت گرفته است. مسئول مربوطه به طور موقت منصوب شد. مجموع این شرایط منجر به درک رییس آمبودزمان در مورد برخورد نامناسب با درخواست شده است. با این حال، بازرس زندان نمی‌تواند از انتقاد درباره برخورد نامناسب با موضوع فرار کند. (۱۵-۲۰۲۵-۳۷۲۵)

### **۳- انتقاد از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی سوئد، زندان ویزی، در خصوص تأخیر در افشای رونوشت اسناد رسمی**

بر اساس فصل ۳۵، بخش ۱۵، پاراگراف دوم از قانون دسترسی عموم به اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی، وصف محرمانه بودن مطابق با پاراگراف اول در همان قانون (محرمانه بودن مشروط) نسبت به تصمیمات اتخاذشده توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی اعمال نمی‌شود. در این تصمیم، آمبودزمان در مورد امکان طبقه‌بندی اطلاعات خاص توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی با حمایت یکی دیگر از مقررات در قانون دسترسی عموم به اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی (فصل ۲۱، بخش ۳) صحبت می‌کند. آمبودزمان سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی را در خصوص رسیدگی آهسته به درخواست اخذ کپی از تصمیمات خاصی در رابطه با احکام صادره مورد انتقاد قرار داد. (۱۵-۲۰۱۵-۵۱۵۸)

### **۴- اعتراض به اداره منطقه لیمهام-بونگفلو (اکنون: استاد سامرید و استر) در شهرداری مالمو؛ در این خصوص که آیا اطلاعات طبقه‌بندی شده را می‌توان از طریق**

#### **ایمیل ارسال کرد**

پدری شکایت کرده بود که یک مددکار اجتماعی در جریان تحقیقات مراقبت از کودک، اطلاعات راجع به بررسی‌های خود را به او یا همسرش ایمیل کرده است.

آمبودزمان به شرح ذیل اظهار نظر می‌کند: اگر فرد می‌خواهد مرجع صالح از طریق پست الکترونیکی با او در ارتباط باشد، این امر باید تحت شرایط خاصی امکان‌پذیر باشد. هنگامی که پیغام ایمیلی شامل اطلاعات حساسی باشد، اقدامات ویژه امنیتی مورد نیاز است تا اطمینان حاصل شود که فرد مورد نظر به اطلاعات دسترسی دارد و این که به شیوه‌ای امن منتقل شده است (به عنوان مثال با استفاده از رمزگذاری). باین حال، ایمیل‌های ساده‌تر که حاوی اطلاعات شخصی نیستند و از نظر حفظ حریم خصوصی حساسیت دارند باید بدون رمزگذاری و یا مانند آن ارسال شوند. از سوی دیگر، اگر شخص مایل نیست از طریق ایمیل با وی تماس گرفته شود، این انتخاب باید محترم شمرده شود. ممکن است مواردی وجود داشته باشد که چنین تماسی نیز قابل قبول باشد، برای مثال، اگر موضوع فوری بوده و خدمات اجتماعی تلاش زیادی برای تماس با فرد از راه‌های دیگر داشته و موفقیت‌آمیز نبوده است.

آمبودزمان این واقعیت را درک می‌کند که در این مورد مدیر با پدر و مادر به همان شیوه تماس برقرار کرده و هیچ‌گونه انتقادی در این رابطه به وی وارد نیست. (۲۰۱۳-۱۳۷۶)

## **۵- شکایت علیه دپارتمان خدمات اجتماعی در شهرداری کلسکرونا با ادعای حذف فیلم‌های ضبط‌شده در چارچوب مورد تأیید.**

یکی از والدین در این رابطه شکایت کرده که دپارتمان خدمات اجتماعی، فیلم‌های ضبط‌شده زمانی که ملاقات با فرزندان خود داشته‌اند را نابود کرده است.

بررسی‌های آمبودزمان نشان می‌دهد که والدین، پس از اتمام تحقیقات مراقبتی از کودکان، تحت قانون خدمات اجتماعی در قالب حمایت از خانواده در برنامه مراقبت غیر نهادی دپارتمان خدمات اجتماعی مورد مساعدت قرار گرفتند. به عنوان بخشی از درمان خانواده، دو نوبت از زمان دسترسی به کودکان در قالب فیلم ثبت شد. پس از اینکه پدر و مادر فیلم‌ها را به همراه گروه پشتیبانی خانواده تماشا کردند و در رابطه با ایفای وظایف پدر و مادری خود بازخوردهایی را دریافت کردند، این فیلم‌ها را حذف کردند.

آمبودزمان بر این عقیده است که فیلم‌های ضبط‌شده براساس محتوای قانون آزادی مطبوعات تولید شده است؛ به این معنا که اسناد عمومی تلقی می‌شوند.

در هیچ‌یک از مقررات از حذف فیلم‌های ضبط‌شده حمایت قانونی دیده نمی‌شود. بااین‌حال، پاسخ به بحث پیرامون وضعیت حقوقی فیلم‌های ضبط‌شده و امکان حذف آن‌ها، آسان نیست و مسئولیت توجه به اینکه آیا یک سند عمومی است، درنهایت با دادگاه است. بنابراین آمبودزمان در این مورد از انتقاد نسبت به دپارتمان برای از بین بردن فیلم‌های ضبط‌شده خودداری می‌کند. (۲۰۱۳-۷۰۴۱)

## **۶- انتقاد جدی از کمیته رفاه اجتماعی و بازار کار در شهر آله در خصوص انتشار اسناد طبقه‌بندی‌شده بر روی وبسایت شهرداری**

شهرداری اسنادی حاوی اطلاعات حساس محرمانه را در وبسایت خود منتشر کرد. این اسناد بدون نام بود اما می‌توانست به افراد خاصی مرتبط باشد، زیرا نام آن‌ها در رسانه‌ها منتشر شده بود. شهرداری با انتقادات جدی درباره انتشار اسناد بر روی وبسایت شهرداری مواجه شد. طبق نظر آمبودزمان، این مقام مسئول تلاش می‌کرد تا حد ممکن نسبت به عموم مردم شفاف بوده و از پنهان کاری دوری می‌جست. بااین‌حال، مقامات باید ملاحظات دقیقی را در خصوص مطالب منتشرشده روی وبسایت در نظر بگیرند. به‌منظور صدور مجوز برای انتشار چنین مطالبی، مفاد قانون دسترسی عموم به اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی و قانون اطلاعات شخصی باید مورد تبعیت قرار گیرد. (۲۰۱۴-۴۷۶۸)

## **۷- انتقاد از اداره کل قیومت در لسبو در خصوص بررسی درخواست افشای اسناد عمومی**

در ۹ اوت ۲۰۱۵، شاکی درخواست تعدادی اسناد از اداره کل قیومت در شهرداری لسبو را نمود. در نامه پاسخ در ۱۳ اوت سال ۲۰۱۵، اداره کل قیومت بیان کرد که دو مورد از شرکت‌های بیمه نماینده شهرداری هستند که به درخواست شاکی در اسرع وقت پاسخ خواهند داد. تصمیم آمبودزمان متضمن انتقاد نسبت به اداره کل قیومت در خصوص انتقال وظیفه پاسخ به درخواست شاکی به نمایندگان شهرداری و عدم اتخاذ تصمیم در این باره است. (۲۰۱۵-۴۶۳۴)

## بیمه اجتماعی

۱- چگونه سازمان بیمه تأمین اجتماعی به بررسی مجدد درخواست‌های رد شده - به دلیل عدم ارائه کافی اطلاعات توسط متقاضی - پس از ارائه اسناد تکمیلی می‌پردازد.

در یکی از ابلاغیه‌های ارجاع شده به آمبودزمان، شکایتی علیه سازمان بیمه تأمین اجتماعی در خصوص رسیدگی این نهاد به درخواست کمک‌هزینه مسکن ثبت شده است. در بررسی موضوع مورد بحث، مشخص شد که این درخواست به دلیل اطلاعات ناقص رد شده بود، اما سازمان بیمه تأمین اجتماعی پس از آن اطلاعات تکمیلی در خصوص موضوع را دریافت کرده و به موقع فرآیندی برای اصلاح تصمیم قبلی با حمایت از مقررات ویژه برای تغییرات در فصل ۱۱۳ بخش ۳ از قانون بیمه تأمین اجتماعی آغاز نمود. آمبودزمان اشاره می‌کند که سازمان بیمه تأمین اجتماعی این مقرر را به شکل گسترده‌ای در پرونده مورد بحث اعمال نمود، اما وضعیتی که به وجود آمد به گونه‌ای حل شد که به نفع فرد و مطابق با رویه اداری و قانونی بود. آمبودزمان هیچ دلیلی برای انتقاد از رویه سازمان بیمه تأمین اجتماعی در این رابطه نیافت. سازمان بیمه تأمین اجتماعی در خصوص پردازش کند تغییر در موضوع و شیوه ضعیف ثبت سیستم‌ها مورد انتقاد قرار گرفت. (۲۰۱۴-۲۹۶۲)

۲- انتقاد از سازمان بیمه تأمین اجتماعی در خصوص بررسی کند و با تأخیر درخواست برای بازپرداخت هزینه‌های مراقبت‌های درمانی در یک کشور دیگر در منطقه اقتصادی اروپا

قانون جبران هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی در یک کشور دیگر در منطقه اقتصادی اروپا در ۱ اکتبر ۲۰۱۳ لازم‌الاجرا شد. این قانون مراقبت‌های بهداشتی برنامه‌ریزی شده و ضروری هر دو را تحت پوشش قرار می‌دهد، از جمله ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی خصوصی در کشورهای دیگر و بازپرداخت هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی، دندانپزشکی، دارو و غیره را

تسهیل می‌کند. طبق قانون، تصمیم‌گیری در مورد جبران خسارت توسط سازمان بیمه تأمین اجتماعی سوئد باید در اسرع وقت و نه بعد از نود روز پس از تسلیم درخواست کامل اتخاذ شود. در این تصمیم آمده که در بیش از دو هزار مورد پرونده، سازمان بیمه تأمین اجتماعی از محدودیت زمانی قانونی ۹۰ روز تجاوز کرده است. آمبودزمان در تصمیم خود اظهار می‌دارد که قابل قبول نیست زمان رسیدگی تا این حد طولانی شود در حالی که متن قانونی صراحت دارد که سازمان بیمه تأمین اجتماعی باید ظرف مدت ۹۰ روز تصمیم‌گیری کند، و در نتیجه آمبودزمان این سازمان را در خصوص زمان طولانی رسیدگی مورد انتقاد قرار داد. (۲۰۱۴-۳۹۵۰)

## خدمات اجتماعی

### الف) قانون خدمات اجتماعی

#### ۱- شکایت علیه خدمات اجتماعی مالمو در خصوص بررسی پرونده‌های کسانی

##### که به سن قانونی نرسیده‌اند و بدون همراه ازدواج کرده‌اند

در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۵، تعداد ۲۵ کودک بی‌سرپرست در مالمو که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن داشتند، گزارش کردند که با فردی بالغ ازدواج کرده‌اند. به دنبال یک ارزیابی امنیتی، یکی از بچه‌ها در محل نگهداری و مراقبت اسکان داده شد. کودکان باقی‌مانده با همسران خود آمدند. سؤال این است که آیا خدمات اجتماعی در شهرداری مالمو در ایفای مسئولیت خود در راستای بررسی نیاز کودکان متأهل برای محافظت و پشتیبانی موفق بوده است یا خیر.

هنگامی که بحث از کودکانی به میان می‌آید که ممکن است نیاز به حمایت و پشتیبانی داشته باشند، هیأت رفاه اجتماعی مسئولیت رسیدگی گسترده به موضوع را بر عهده دارد. هنگامی که یک کودک بدون همراه وارد سوئد می‌شود و اوضاع حاکی از این است که کودک با فردی بزرگسال ازدواج کرده است، در نظر آمبودزمان، هیأت رفاه اجتماعی باید، به موجب فصل ۱۱، بخش ۱ از قانون خدمات اجتماعی رسیدگی را آغاز کند. نیازهای مرتبط با تحقیقات برای روشننگری موضوع شامل نگرش کودک و توانایی او در انتخاب تا حد ممکن می‌باشد. برای اطمینان از اینکه حقوق کودک نقض نمی‌شود، باید پیش‌شرطی وجود داشته باشد که



نظم و دقت در تحقیقات هیأت رفاه اجتماعی را تضمین خواهد کرد. به نظر آمبودزمان، در اغلب موارد، یک یا دو مکالمه پس از ورود به سوئد نمی‌تواند کافی باشد. کودک باید اطلاعات شخصی و مربوط به حقوق خود و فرصت‌های موجود در راستای حفاظت در سوئد را دریافت نماید. طبق نظر آمبودزمان، تنها پس از یک تحقیق دقیق و کامل، هیأت رفاه اجتماعی می‌تواند مبنای خوبی برای تعیین اینکه آیا کودک از فرصتی واقعی برای ابراز تمایل به زندگی با همسر خود برخوردار است و اینکه نیاز به حمایت یا حفاظت دارد در دست داشته باشد.

مدیریت منابع اجتماعی اعلام کرده است که ارزیابی حفاظت فردی درخصوص همه کودکان مورد بحث انجام شده است، اما چنین تحقیقات و بررسی‌هایی همیشه صورت نخواهد گرفت. مدیریت آگاه است که کاستی‌هایی در رسیدگی به پرونده‌ها وجود داشته است که منتهی به بررسی نخواهد شد. برخلاف این سابقه و با توجه به اقداماتی که مدیریت در حال حاضر انجام داده است، از جمله گزارش‌های مربوط به شهرداری‌های میزبان این کودکان، آمبودزمان هیچ دلیلی برای انتقاد مستقیم نسبت به هیأت رفاه اجتماعی درخصوص بررسی موارد مورد بحث نیافته است.

از دیدگاه آمبودزمان، آنچه مهم است این مسئله است که کودکان متأهل تنها بلافاصله از سوی مقامات مسئول پیگیری شود. رونوشتی از این تصمیم به وزارت امور اجتماعی ارسال شد. (۲۰۱۶-۳۹۴)

## ۲- انتقاد از هیأت رفاه اجتماعی در شهرداری سافل درخصوص رسیدگی به یک مورد در رابطه با حمایت از درآمد؛ از جمله بحث در مورد الزامات مورد نیاز برای آزمایش

### ادار به عنوان شرط کمک‌های مالی

شخصی تقاضای کمک مالی برای حمایت نمود. در این رابطه، او توافقی با خدمات اجتماعی درخصوص ارائه نمونه ادرار سه بار در هفته کرد. هدف از این موافقت‌نامه حمایت از او در ترک استعمال مشروبات الکلی به عنوان بخشی از روند خودسازی وی بود. در موارد خاصی که فرد نمونه ادرار را ارائه نمی‌کند و یا آزمایش ادرار او مثبت باشد، خدمات اجتماعی از حمایت درآمدی وی می‌کاهد. آمبودزمان باید این موضوع را بررسی کند که آیا هیأت رفاه اجتماعی

می‌تواند به این علت که این شخص تست مواد مخدر نداده است یا خیر، از کمک مالی به فردی خودداری کند.

هیچ مبنای قانونی وجود ندارد که فردی به دنبال کمک‌های مالی باید تست مواد مخدر بدهد. در نتیجه هیأت رفاه اجتماعی نمی‌تواند به عنوان یک شرط برای کمک مالی فردی نمونه ادرار او را درخواست کند. چنین شرطی مغایر با حمایت‌های مشخص شده در مقررات در فصل ۲، بخش ۶ از قانون اساسی است. آمبودزمان هیأت رفاه اجتماعی را مورد انتقاد قرار داد. (۲۰۱۵-۷۴۹)

### ۳- گزارشی درخصوص کمیته رفاه اجتماعی شهرداری وارمد و درمورد آزمایش ادرار اجباری برای ساکنان در تأسیسات امدادی زندگی

شخصی در قالب استخدام در مراکز نگهداری از افراد ناتوان عاری از مواد مخدر حمایت مالی دریافت کرد. این انتصاب داوطلبانه بود. با این حال، به منظور انتقال به یکی از مراکز امدادی زندگی، فرد باید پابندی به قوانین در تأسیسات مورد نظر را داشته باشد. این امر شامل اخذ نمونه ادرار اجباری به طور منظم و آزمون تنفسی بود. موضوع مورد بحث این است که آیا این آزمایش مواد مخدر مطابق با حمایت در برابر تفتیش بدنی تهاجمی مقرر در فصل ۲، ماده ۶ از قانون دولت سوئد هست یا خیر.

هر شهروند از حمایت در برابر مداخله اجباری فیزیکی برخوردار است (فصل ۲، ماده ۶ قانون دولتی). قانون تحت شرایط خاص اجازه محدودسازی این حفاظت را می‌دهد. مداخله در صورتی تحمیل می‌شود که مرجع مربوطه از اسناد و قوانین و مقررات مربوطه استفاده می‌کند تا اقدام مورد نظر را لازم‌الاجرا سازد.

شرط مورد نیاز برای فردی که تقاضای حمایت مالی دارد، در رابطه با تسلیم نمونه ادرار یا هر آزمایش دیگر مواد مخدر مورد حمایت قانون خدمات اجتماعی سوئد نیست. برای انجام این آزمایش‌ها نیاز به آن است که فرد داوطلبانه رضایت خود را اعلام کند.

آمبودزمان اظهار می‌دارد: در هنگام انتخاب یک روش مداخله، مهم این است که فرد اطلاعات شفافی دریافت کرده و واقعاً شرایط مورد نیاز این اقدامات و گزینه‌های موجود را درک کند. از دیدگاه فرد، الزام به نمونه ادرار و آزمایش تنفسی می‌تواند به عنوان مانعی تلقی شود که

فرد نتواند مداخله مورد درخواست را انجام دهد و در صورتی که تست مواد مخدر را مطابق با قوانین موجود انجام ندهد باید محل نگهداری موردنظر را ترک کند. با این حال فرد هیچ حق بقیدشرطی را نسبت به مداخله مشخص شده توسط خدمات اجتماعی ندارد. اگر این افراد نمی‌خواهند نمونه ادرار خود را تسلیم کنند، می‌توان به گونه دیگری از آن‌ها حمایت کرد. بنابراین الزامات موردنیاز برای تست مواد مخدر به‌عنوان امری تهاجمی تفسیر نمی‌شود. بنابراین آمبودزمان هیچ انتقادی به این نهاد وارد نساخت. (۱۴-۲۰-۶۴۴۲)

#### **۴- شکایت علیه هیأت رفاه اجتماعی در شهرداری سولنتونا؛ بحث مناسب بودن صحبت کردن یکی از کارمندان هیأت با کودکان در مدرسه به‌عنوان بخشی از**

##### **بررسی حفاظت از کودکان**

در یک بررسی راجع به حفاظت از کودکان به‌موجب فصل ۱۱، بخش ۱ از قانون خدمات اجتماعی، یکی از کارمندان رفاه اجتماعی با دو کودک بدون رضایت قیم آن‌ها براساس مقررات فصل ۱۱، بخش ۱۰ بند سوم قانون صحبت کرده است. این مکالمات در مدرسه کودکان انجام شد.

هنگامی که خدمات اجتماعی رسیدگی به دعوی کودک را در مدرسه وی انجام می‌دهد، مزایای صحبت با کودک باید در مقابل نیاز کودک برای حفاظت از تمامیت خود در نظر گرفته شود. بنابراین مهم است که خدمات اجتماعی در هر مورد به ارزیابی این امر پردازد که آیا نیازهای خدمات اجتماعی به بررسی اظهارات کودک در رسیدگی‌ها از خطر آسیب رساندن به کودک از طریق جلب توجه ناشی از بازدید خدمات اجتماعی از مدرسه اهمیت بیشتری دارد یا خیر.

براساس اطلاعاتی که در پرونده‌های مربوط به گفتگو با کودکان به‌دست آمده است و نزد آمبودزمان مطرح شده، به نظر می‌رسد طبیعی است که خدمات اجتماعی، گفتگو با بچه‌ها را در مدرسه کودکان انجام دهد. آمبودزمان بر این نظر است که رویه عملی شکل گرفته بدین صورت است که گفتگوی خدمات اجتماعی با کودکان که بدون رضایت قیم انجام شده و صرفاً بر پایه جنبه‌های عملی است، عموماً کمابیش در مدرسه واقع می‌شود.

درمورد سؤال، منافع قابل ملاحظه‌ای در گفتگوی کارمندان رفاه اجتماعی با کودکان وجود دارد. با توجه به آنچه پدید آمده است، هیچ دلیلی برای آمبودزمان وجود ندارد که انتقاداتی را به هیأت رفاه اجتماعی برای مکالمات واقعه در مدرسه وارد سازد. در دیدگاه آمبودزمان، زمانی که بحث از کودکان به‌ویژه گفتگو با آن‌ها پیش می‌آید، نیاز به قانون‌گذار برای در نظر گرفتن مسائل مختلف مربوط به فعالیت‌های هیأت رفاه اجتماعی دیده می‌شود. بنابراین یک نسخه از این تصمیم، به وزارت امور اجتماعی ارسال می‌شود. (۲۰۱۴-۴۲۲۵)

## **۵- انتقاد از هیأت رفاه اجتماعی در شهرداری هوربه نسبت به کارمندان این هیأت در چارچوب بررسی پیرامون بازدید از مهدکودکی به‌منظور نظارت بر کودک بدون رضایت قیم وی**

در جریان یکی از بررسی‌های حفاظت از کودکان به‌موجب فصل ۱۱، بخش ۱ از قانون خدمات اجتماعی، کارمندان رفاه اجتماعی کودکی را در مهدکودک به‌منظور نظارت بر رفتار وی ملاقات کردند. پس‌از آن کارمندان رفاه اجتماعی گفتگویی با کودک در مهدکودک داشتند. مشاهده و گفتگو بدون رضایت قیم انجام شد.

آمبودزمان بیان می‌کند از آنجایی که کودکان در مهدکودک سنین پایینی دارند، بازدید توسط کارمندان هیأت رفاه اجتماعی به پیش‌دستانی توجه کمتری از بازدید مشابه به مدرسه کودکان برمی‌انگیزد. گفتگو با کودک به‌گونه‌ای برگزار شده است که هیچ دلیلی برای آمبودزمان وجود ندارد تا به انتقاد از هیأت رفاه اجتماعی در خصوص انجام این گفتگو در مهدکودک پرداخته شود.

وقتی مدیران هیأت رفاه اجتماعی با پدر و مادر و کودک دیدار می‌کنند، به‌عنوان مثال، در یک بازدید در منزل، مدیر ممکن است برخی از ملاحظات مربوط به مراقبت والدین از کودک و رفتار کودک را تحت نظر قرار دهد. این یافته‌ها ممکن است به‌گونه‌ای باشند که در تحقیق و بررسی در نظر گرفته شوند. در برخی موارد نیز ممکن است برای مدیران رفاه اجتماعی ضرورت داشته باشد تا مشاهدات خود را از کودک ترتیب دهند. با این حال، تحقیق و بررسی در قالب «مشاهده» مطرح شده است که از نظر آمبودزمان، اقدامی حساس است. اگر هیأت رفاه

اجتماعی به عنوان «جاسوس» افراد تصور شود، این خطر وجود دارد که اعتماد عمومی به خدمات اجتماعی آسیب ببیند. این اقدامات تحقیقاتی با قوانین که حق هیأت رفاه اجتماعی برای جمع‌آوری اطلاعات و یا استماع اظهارات کودک بدون رضایت قییم است، مطابقت ندارد. اگر کودک تحت نظر براساس قانون مراقبت از نوجوانان (مقررات ویژه) (۱۹۹۰: ۵۲) تحت مراقبت قرار نگیرد، این امر نیازمند این است که در نظر آمبودزمان، رضایت قییم اجازه می‌دهد تا ملاحظات ترتیب داده‌شده به انجام برسند.

آمبودزمان، هیأت رفاه اجتماعی را درخصوص انجام ملاحظات مربوط به کودک به شیوه که واقع شده بود موردانتقاد قرار می‌دهد. (۲۰۱۴-۶۵۴۷)

## ۶- گزارش علیه هیأت آموزش و کودک در شهرداری فورشاگا؛ موضوع حق هیأت نسبت به مصاحبه با کودکان بدون رضایت قییم در محدوده «ارزیابی مقدماتی»

با توجه به گزارشی حاکی از نگرانی برای دو کودک، هیأت کودک و آموزش و پرورش، یک «ارزیابی مقدماتی» درخصوص ارزیابی اینکه آیا هیأت باید با توجه به فصل ۱۱، بخش ۱ از قانون خدمات اجتماعی تحقیق و بررسی در این خصوص را آغاز کند را انجام داد. در طی ارزیابی اولیه، مدیران هیأت با کودکان بدون رضایت قییم آن‌ها صحبت کردند. طبق فصل ۱۱، بخش ۱۰، بند سوم قانون خدمات اجتماعی، هیأت رفاه اجتماعی ممکن است در موارد خاص با کودک بدون رضایت قییم وی گفتگو کند. باین حال، این مقرر به شرایطی محدودشده است که در آن هیأت به بررسی نیاز کودک برای حفاظت و یا پشتیبانی می‌پردازد. درخصوص مکالمات هیأت رفاه اجتماعی با کودکان در طول ارزیابی مقدماتی، گفتگو با کودکانی که به سن لازم یا بلوغی نرسیده‌اند و به‌طور مستقل نمی‌توانند درخصوص مشارکت خود تصمیم‌گیری کنند، نباید بدون رضایت قییم برگزار شود.

درمورد پرونده موردبحث، دو کودک به ترتیب نزدیک به ۱۵ سال و دیگری کمی بیشتر از ۱۲ سال سن داشتند. با توجه به سنین کودکان، منطقی است که فرض کنیم آن‌ها می‌توانند برای خود تصمیم بگیرند که آیا با محققان صحبت می‌کنند یا خیر. بنابراین رضایت قییم شرط لازم برای هیأت به‌منظور مصاحبه با کودکان در طول ارزیابی مقدماتی نمی‌باشد. بدین ترتیب

هیچ دلیلی وجود ندارد که آموذزمان به انتقاد از هیأت آموزش و کودک بپردازد. (۲۰۱۴-۳۸۹۱)

## ۷- شکایت رسمی علیه هیأت منابع اجتماعی در شهرداری گوتنبرگ

در تحقیقات مربوط به قیمومت، قرار بر آن بوده است که خدمات اجتماعی گفتگویی با فرزند بدون حضور پدر و مادر کودک - که در آن زمان هشتساله بود - انجام دهد. کارمند خدمات اجتماعی کودک را از ضبط صوتی مصاحبه محروم کرد.

طبق نظر آموذزمان، نکته مهم در اینجا این است که فرد حق ضبط صوتی مکالمه با یک مقام رسمی را دارد. این قاعده همچنین در مواردی صدق می‌کند که خدمات اجتماعی با کودک صحبت می‌کند. مصاحبه‌هایی که خدمات اجتماعی با کودکان انجام می‌دهند، باید به گونه‌ای باشد که خطر تحت فشار قرار دادن کودک به حداقل برسد. در صورتی که خطر وجود عواقب منفی از این ماهیت حس شود، بنابراین حق کودک برای ضبط مصاحبه ممکن است در درجه دوم اهمیت باشد.

در مورد حاضر، آموذزمان وجود این خطر را فرض می‌گیرد که کودک تحت فشاری احتمالی قرار می‌گیرد که یکی از والدین بعدها به مکالمات ضبط شده وی گوش دهد. لذا این خطر ملموس حس می‌شود که در صورت ضبط مکالمه این پسر در طول مصاحبه آزادانه صحبت نکرده باشد. با توجه به این موضوع، و این واقعیت است که کودک در آن زمان تنها هشت سال داشت، در خصوص ممانعت از ضبط مکالمه دلیل قانع کننده‌ای وجود دارد. (۲۰۱۵-۲۵۹۵)

## ب) قانون مراقبت از نوجوانان (مقررات ویژه)

انتقاد از یک مقام رسمی در خدمات اجتماعی در شهرداری ایالت یونکوپینگ در خصوص اجرای رأی در رابطه با مراقبت تحت قانون یاد شده، اگرچه این رأی قبل از لازم الاجرا شدن نمی‌تواند اجرا شود.

در یکی از آرای صادره، دادگاه اداری استیناف درخواست دریافت مراقبت توسط کودک به موجب بخش ۲ از قانون یادشده را تأیید کرد، اما درخواست هیأت برای اجرای فوری رأی را

رد کرد. قیم کودک در دادگاه عالی اداری از این رأی تجدیدنظرخواهی کرد. یک مقام رسمی در دپارتمان اجرایی هیأت، کودک را به یک محل نگهداری سپرده بود، قبل از اینکه دادگاه عالی اداری درخصوص درخواست تجدیدنظر رأی صادره کند و بدون بررسی اینکه آیا رأی دادگاه تجدیدنظر اداری قطعی شده باشد. آمبودزمان اقدام به شکایت از این مقام رسمی درخصوص اشتباه صورت گرفته کرد اما اتهامات وارده رد شدند.

آمبودزمان اظهار می‌کند: حتی اگر این مقام جرمی مرتکب نشده باشد، واقعیت این است که یک خطای جدی در این رابطه صورت گرفته است که این رأی به‌رغم اینکه هنوز لازم‌الاجرا نشده بود به اجرا درآمد. این مقام نمی‌تواند از انتقاد در رابطه با کاستی‌های موجود در بررسی این پرونده شانه خالی کند. (۲۰۱۳-۳۸۶۴)

## ۲- انتقاد از هیأت رفاه اجتماعی در شهرداری بولنس درخصوص تصمیم هیأت بر ایجاد محدودیت به دسترسی بدون دلایل قانونی مطابق با بخش ۱۴ از قانون

### مراقبت از نوجوانان، از جمله شرایط لازم برای تست مواد مخدر

کمیته رفاه اجتماعی تصمیم به اعمال محدودیت‌هایی در دسترسی مطابق با بخش ۱۴ از این قانون گرفت، با تصریح بر شرط ویژه‌ای برای والدین برای دسترسی به کودکان، حول محور این موضوع که آن‌ها باید آزمایش مواد مخدر بدهند تا بتوانند با کودک ملاقات و به وی دسترسی داشته باشند. در این تصمیم، آمبودزمان به بررسی این موضوع پرداخت که آیا فرصت‌های قانونی برای تصریح بر چنین شرایطی وجود دارد یا خیر.

هر شهروند، در رابطه با مقامات عمومی، در برابر مداخله قهری فیزیکی (فصل ۲، ماده ۶ سند عمومی دولت) از حمایت برخوردار است. قانون اجازه محدودسازی این حمایت را تحت شرایط خاص می‌دهد. شرط تست مواد مخدر که توسط کمیته رفاه اجتماعی به تصویب رسید، در نظر آمبودزمان نمی‌تواند چیزی غیر از تصمیمی در نظر گرفته شود که مستلزم اجبار فرد به قرارگرفتن در معرض مداخله جسمی باشد. هیچ مقرراتی در این قانون یا سایر قوانین دیده نمی‌شود که به کمیته رفاه اجتماعی این حق را بدهد که نیاز به تست مواد مخدر باشد. کمیته

رفاه اجتماعی در خصوص اتخاذ تصمیمی بدون وجود دلایل قانونی موردانتقاد قرار گرفت.  
(۲۰۱۵-۳۸)

### ۳- انتقاد از هیأت ملی مراقبت سازمانی سوئد در محل نگهداری مسکونی ژوهانسبورگ، که در آن جوانی در سلول انفرادی برای یک مدت خاص بدون حمایت قانونی نگاهداشته شده بود.

افراد در صورتی که رفتار آن‌ها حاکی از خشونت بوده و یا تحت تأثیر یک ماده مخدر باشند و نتوانند به‌طور عادی رفتار کنند در محل نگهداری مسکونی تحت حمایت هیأت ملی مراقبت سازمانی ممکن است در سلول‌های جداگانه نگهداری شوند. سلول جداگانه باید در اسرع وقت در صورتی که هیچ دلیل دیگری برای توجیه اقدام وجود ندارد متوقف شود.

در یکی از تصمیمات قبلی، آمبودزمان اعلام کرد که در شرایط خاص، این امکان باید وجود داشته باشد که بتوان یکی از زندانیان را جدا از سایرین نگاهداشت، حتی اگر شرایط مندرج در قانون از جمله در شرایط اضطرار رعایت نشده باشند.

در یکی از موارد بررسی شده، جوانی پس از «شورش» در محل نگهداری مسکونی از سایرین جدا شد. این فرد در ابتدا رفتار خشونت‌آمیزی داشت و شرایط به‌گونه‌ای بود که جدا کردن او از دیگران را توجیه می‌نمود. با این حال از نیمه‌شب به بعد، جدایی برای ملاحظات عملی توجیه شد. آمبودزمان می‌پذیرد که کارکنان این محل نگهداری مسکونی تصور کردند انجام هرگونه ترتیبات جدید در طول شب مناسب نیست. از سوی دیگر، طبق نظر آمبودزمان، حبس جداگانه می‌تواند زودتر از این‌ها لغو شده باشد و در هر صورت در صبح انجام شود. مرجع صالح نمی‌تواند از انتقاد در این خصوص اجتناب کند که این شخص برای یک دوره معینی با وجود عدم حمایت قانونی برای چنین اقدامی در حبس جداگانه به سر برده است. (۲۰۱۴-۲۰۱۴)



#### ۴- انتقاد از هیأت مراقبت فردی و خانوادگی در شهرداری کونگزبکا درخصوص

##### کاستی‌های متعددی در رسیدگی به پرونده‌ای تحت قانون مراقبت از نوجوانان

در یکی از ابلاغ‌ها به آمبودزمان، مادری در مورد چگونگی رسیدگی هیأت‌مدیره اجتماعی در ایالت کونگزبکا به حق ملاقات برای او و دخترش، که تحت مراقبت براساس قانون مراقبت از نوجوانان بود، شکایت کرد. مادر متعاقباً شکایت دیگری علیه مدیریت را اقامه نمود.

در این تصمیم، هیأت درخصوص محدود کردن ملاقات‌های مادر با دخترش بدون هرگونه تصمیم رسمی در این موضوع انتقاد کرد. این بدان معنی است که مادر می‌تواند به این موضوع در دادگاه استناد کند. این امر قابل قبول نیست.

هیأت همچنین درخصوص تأخیر در شروع بررسی پس از درخواست مادر مبنی بر اینکه مراقبت از دخترش باید متوقف شود و همچنین درخصوص عدم تصمیم‌گیری در قرار دادن کودک در یک خانواده پذیرنده فرزندخواندگی موردانتقاد قرار گرفت.

نظر هیأت در این موضوع نشان‌دهنده دانش ضعیف از قوانین و مقررات در این رابطه است. آمبودزمان تصور می‌کند که هیأت اقدامات لازم برای اطمینان از اینکه شرایط مشابهی را در آینده به وجود نخواهد آمد را اتخاذ خواهد کرد. (۲۰۱۳-۶۲۲۳)

#### ج) قانون مراقبت از معتادان

##### ۱- رسیدگی به پرونده‌ای توسط آمبودزمان، در این خصوص که آیا محل نگهداری

##### معتادان در رالیوگاردن در ارتباط با جلوگیری از ترک غیرقانونی آن توسط ساکنان

##### نقشی داشته یا خیر.

طی بازرسی به عمل آمده از محل نگهداری معتادان در رالیوگاردن، مشخص شد که این محل نگهداری، در رابطه با موقعیت‌های تهدیدآمیز، به ساکنان خود اجازه ترک محل نگهداری را می‌دهد. در نتیجه آمبودزمان اظهاراتی از هیأت ملی مراقبت سازمانی سوئد (SIS) به دست آورد.

در این تصمیم، اظهارات آمبودزمان به شرح ذیل است. زمانی که کسی مراقبت اجباری در محل نگهداری معتادان را دریافت می‌کند، از آن‌ها انتظار می‌رود که این محل نگهداری را

بدون اجازه ترک نکنند. کارمندان اجازه توسل به زور برای مهار کردن یکی از ساکنین که در تلاش برای ترک محل نگهداری و یا نمایش رفتار خشونت‌آمیز است را دارند. باین حال، هدف از مراقبت معتادان، ایجاد انگیزه در افراد برای دریافت مراقبت و اقدامات حمایتی به صورت داوطلبانه است. هدف از مراقبت اجباری باید ارزیابی این موضوع باشد که چه میزان از زور برای جلوگیری از فرد در رابطه با ترک غیرقانونی محل نگهداری معتادان قابل توجیه برای استفاده است.

کارمندان ممکن است خود را در موقعیت‌های دشوار همراه با تهدید ساکنان بیابند که چه بسا ممکن است به دلیل رفتار ساکنان محل، خطر نسبت به ایمنی کارکنان و یا ساکنان دیگر وجود داشته باشد. از این رو نمی‌توان رد کرد که کارمندان در این محل نگهداری ممکن است در موارد استثنایی، به ساکنان اجازه ترک محل نگهداری به جای استفاده از زور را بدهند که به نظر نمی‌رسد با توجه به اهداف مراقبت قابل توجیه باشد.

اگر این خطر وجود داشته باشد که کارکنان در یک محل نگهداری نتوانند نظم آن مکان را برقرار کنند، هیأت ملی مراقبت سازمانی سوئد باید اجازه افزایش منابع انسانی موجود را بدهد تا کارکنان قادر به دخالت در موقعیت‌های خشونت‌آمیز به منظور جلوگیری از خروج غیرقانونی ساکنان از محل نگهداری باشند. (۲۰۱۴-۷۱۶۳)

## ۲- انتقاد از کمیته بهداشت و درمان شهرداری واناس در خصوص رسیدگی به

### پرونده‌ای تحت قانون مراقبت از معتادان

اعلام رضایت به درمان به صورت خودکار مراقبت اجباری تحت قانون مراقبت از معتادان را استثناء نمی‌سازد. حتی زمانی که فرد مراقبت‌های لازم را پذیرفته است، کمیته رفاه اجتماعی باید آن را مورد ارزیابی قرار دهد که آیا رضایت واقعی وجود دارد یا خیر. در این ارزیابی، عواملی مانند سطح سلامت معتاد، آگاهی از بیماری و انگیزه برای درمان و همچنین نتایج حاصل از مداخلات بهداشتی قبلی باید در نظر گرفته شود.

در پرونده مورد بررسی، مردی، در طول دوره‌ای بیش از سه ماه، به موجب بخش ۱۳ از قانون مراقبت از معتادان در سه نوبت تحت مراقبت فوری قرار گرفت. بازداشت وی هر بار پس

از چند روز به پایان رسید، و این زمانی بود که شخص اعلام کرد که درمان داوطلبانه را می‌پذیرد.

در نتیجه اطلاعات به‌دست‌آمده از این فرد در طول جلسه کمیته، لازم بود تا بعد از نوبت سوم برای آمبودزمان به‌وضوح مشخص باشد که رضایت این شخص در زمانی که ارائه شد حقیقی نبوده است. بررسی‌های صورت گرفته در جلسه نشان می‌دهد که کمیته هیچ اطلاعاتی در خصوص الزامات موردنیاز برای تشکیل رضایت به‌عنوان مبنای مراقبت نبوده و یا اینکه کمیته بررسی کافی و انتقادی در رابطه با واقعی بودن رضایت انجام نداده است. کمیته در خصوص رسیدگی به این پرونده موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۳-۴۱۵۷)

## د) خدمات و حمایت از افراد دارای اختلالات حرکتی

### ۱- شهرداری‌ها قادر به اتخاذ تصمیمات موقت در موارد وجود اختلال حرکتی

#### هستند

در ارتباط با اجرای کمک‌های شخصی مطابق با قانون مربوط به پشتیبانی و خدمات برای افراد دارای اختلالات حرکتی، درخواست شد که یک کمیته شهری در شهرداری کرامفورز تصمیمی موقت اتخاذ کند و در انتظار تصمیم نهایی باشد. کمیته چنین تصمیمی را اتخاذ نکرد.

در این تصمیم، آمبودزمان اشاره می‌کند که به‌غیر از موارد استثنایی، مقامات باید تحت حمایت صریح و روشن قوانین و مقررات به اتخاذ تصمیم موقت بپردازند. قانون بیمه تأمین اجتماعی بیان می‌کند که تحت شرایط خاص، صندوق بیمه حق تصمیم‌گیری موقت در کمک‌هزینه را دارد. نه اختلال حرکتی و نه قانون دادرسی اداری جایگزین آن را ارائه نمی‌کنند. بنابراین قوانین از این ایده حمایت نمی‌کنند که شهرداری‌ها فرصت اتخاذ تصمیمات موقت در مورد پرونده‌های اختلال حرکتی را دارند. همان‌طور که از سوی مقررات هیچ حمایتی وجود ندارد و هیچ استثنایی در این رابطه وجود ندارد، کمیته شهری قادر به تصمیم‌گیری موقت در این مورد نمی‌باشد.

علاوه بر این، این تصمیم تبیین می‌کند که این واقعیت که شهرداری‌ها قادر به اتخاذ تصمیمات موقت در موارد اختلال حرکتی نیستند، به این معنا نیست که فردی را می‌توان به‌طور کامل در طول دوره تحقیق بدون حمایت باقی گذاشت. تا زمانی که تصمیم نهایی صادر نشود، نیازهای فرد در عوض ممکن است از طریق ابتکارات خاصی تحت قانون خدمات اجتماعی ایفا شود که در این مورد نیز صورت پذیرفته است.

به‌طور کلی، مقامات باید به درخواست‌های افراد پاسخ دهند. علاوه بر این، دادخواست‌های موقت باید پاسخ سریع دریافت کنند. در این تصمیم چنین استدلال شده که کمیته باید به‌سرعت درخواست تصمیم موقت را رد کند. این کمیته برای عدم انجام چنین کاری موردانتقاد قرار گرفت. هیأت نیز در خصوص اجرای طولانی‌مدت این موضوع موردانتقاد واقع شد. (۲۰۱۴-۶۹۰۰)

## ۲- انتقاد از هیأت مراقبت‌های اجتماعی در شهرداری سوئد در خصوص رسیدگی

### اشتباه به مسائل مربوط به تولیت و وکالت

این پرونده به فرصت‌های متولی فرد برای استفاده از وکیل دادگستری به‌منظور حفاظت از منافع اصلی توسط شخص ثالث تأکید دارد. در این تصمیم، چنین استدلال شده است که وظیفه متولی همیشه به یک فرد خاص مرتبط است که مسئولیت انجام وظایف مرتبط با نمایندگی را بر عهده دارد. در نتیجه، این یک وظیفه شخصی است و شخصی که به‌عنوان متولی منصوب می‌شود، مسئولیت حصول اطمینان از برآورده شدن نیازها و منافع اصلی را بر عهده دارد. بنابراین متولی منصوب شده قادر نیست از طریق وکالت‌نامه، به انتقال مسئولیت کلی نمایندگی به شخص ثالث بپردازد. با این حال، این امر مانع نمی‌شود متولی که تصور می‌کند دانش کافی و یا تجربه لازم برای رفع منافع اصیل در یک موضوع خاص را ندارد، شخص ثالثی را به نمایندگی از طرف او را به‌کار نگیرد. در چنین مواردی، انتصاب متولی به‌منزله حد بالایی از قدرت است که می‌تواند به شخص ثالث از طریق وکالت‌نامه انتقال یابد.

در این تصمیم، هیأت مراقبت‌های اجتماعی به‌دلیل عدم اطلاع به وکیل در خصوص عدم اعتبار وکالت‌نامه و ارائه دلیل در این رابطه موردانتقاد واقع شد. هیأت نیز برای عدم ارائه فرصت مناسب برای اثبات اعتبار خود موردانتقاد قرار گرفتند. (۲۰۱۴-۶۹۴۸)